

تلاشی در مسیر موافقت پیش



- دانلود گام به گام تمام دروس ✓
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه ✓
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی ✓
- دانلود نمونه سوالات امتحانی ✓
- مشاوره کنکور ✓
- فیلم های انگیزشی ✓



پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۴۰۱ آذر

بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - بنیاد علمی آموزشی قلمچی (وقف عام) ۰۲۱-۶۴۶۳

«قمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلمچی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیده آورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی، ابوالفضل بهاری، محمد ابراهیم توزنده جانی، محمد حمیدی، کورش داوی، احمد رضا ذاکر زاده، امیر زراندوز، جواد زنگنه قاسم آبادی، حمید رضا سجودی، علی سرآبادانی، علیرضا عبدی، امیر محمودیان، اسماعیل میرزا لی، حامد نصیری، محمد یگانه
اقتصاد	نسرين جعفری، مائده حسنی، سارا شریفی، مهدی ضیائی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، محسن اصغری، عزیز الیاسی پور، سید علیرضا علویان، فرهاد علی نژاد، سجاد غلام پور، فرهاد فروزان کیا، مجتبی فرهادی، کاظم کاظمی، یاسین مهدیان
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، فاطمه صفری، ارغوان عبدالملکی، نگار غلامی
عربی زبان قرآن	درویشعلی ابراهیمی، ولی برجمی، بهروز حیدری کی، مرتضی کاظم شیرودی، محمد علی کاظمی نصر آبادی، علی محسن زاده، سید محمد علی مرتضوی، سیده محیا مؤمنی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	میلاد باغ‌شیخی، علیرضا رضایی، فاطمه سخایی، سید علیرضا علویان، علی محمد کریمی، جواد میربلوکی، میلاد هوشیار
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنمایی، سبا جعفرزاده صابری، نیما جواهری، حسن صدری، فرهاد قاسمی نژاد، علیرضا نصیری
روان‌شناسی	حمید رضا توکلی، مهدی جاهدی، مهسا عفتی، فرهاد علی نژاد

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستار	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	ایمان چینی فروشان، مهدی ملارمضانی، علی ارجمند	الهه شهبازی
اقتصاد	مهدی ضیائی	سara شریفی	فاطمه صفری	زهره قمشی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	سید علیرضا احمدی، فرهاد علی نژاد	یاسین مهدیان، سید علیرضا علویان، امیر حسین واحدی	فریبا رئوفی
جامعه‌شناسی	ارغوان عبدالملکی	ارغوان عبدالملکی	فاطمه صفری	زهره قمشی
عربی زبان قرآن	نوید امساکی	سید محمد علی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	لیلا ایزدی
تاریخ	سید علیرضا علویان	سید علیرضا علویان	زهرا دامیار	خدیجه
جغرافیا	سید علیرضا علویان	سید علیرضا علویان	زهرا دامیار	جنت‌علی پور
منطق و فلسفه	سبا جعفرزاده صابری	نیما جواهری	فرهاد علی نژاد	زهه قمشی
روان‌شناسی	مهرسا عفتی	مهرسا عفتی	فرهاد علی نژاد، فاطمه صفری	

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمد علی مرتضوی
مسئول دفترچه	زهرا دامیار
گروه مستندسازی	مدیر: مازیار شیر وانی مقدم، مسئول دفترچه: زهه قمشی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهرشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی



(مقدمه‌نگاری)

حداقل ۲ ماهه سیاه یعنی یا ۲ تا سیاه یا ۳ تا سیاه. (دقت کنید هر ۴ ماهه نمی‌توانند سیاه باشند چون فقط ۳ ماهه سیاه داریم.)

$$P(A) = \frac{\binom{3}{2}\binom{6}{2} + \binom{3}{3}\binom{6}{1}}{\binom{9}{4}} = \frac{(3 \times 15) + (1 \times 6)}{126} = \frac{45 + 6}{126}$$

$$= \frac{51}{126} = \frac{17}{42}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

(ممدوح میری)

$$\begin{aligned} P(A - B) &= P(A) - P(A \cap B) = ۰/۵ \\ P(B) &= ۱ - P(B') = ۱ - ۰/۶ = ۰/۴ \\ \Rightarrow P(A \cup B) &= P(A) + P(B) - P(A \cap B) \\ &= \underbrace{P(B)}_{۰/۴} + \underbrace{P(A)}_{۰/۵} - P(A \cap B) \\ &= ۰/۴ + ۰/۵ = ۰/۹ \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

(امیر زرآردوز)

$$\begin{aligned} n(S) &= ۵ \times ۴ \times ۳ = ۶۰ \\ \text{حال تعداد اعداد سه رقمی که بر } ۵ \text{ بخش پذیر باشد را از بین اعداد فضای نمونه به دست می‌آوریم:} \\ n(A) &= \frac{۴ \times ۳ \times ۱}{\{5\}} = ۱۲ \\ \Rightarrow P(A) &= \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{۱۲}{۶۰} = \frac{۱}{۵} \end{aligned}$$

(ممدوح میری)

در گام دوم اطلاعات توصیفی را به اطلاعات کمی تبدیل می‌کنیم.
هر چه پراکندگی متغیر مورد بررسی در جامعه بیشتر باشد برای حصول اطمینان از وجود تنوع در نمونه به اندازه نمونه بزرگ‌تری نیاز داریم.
(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

(ممدوح میری)

با توجه به بلندی مستطیل میانگین داده‌ها برای $\bar{x} = ۴۰$ است.
با توجه به بلندی میله خط، انحراف معیار داده‌ها برای $\sigma = ۴$ است.

$$\sigma^2 = ۱۶ \Rightarrow \sigma = \sqrt{۱۶} = ۴$$

$$\Rightarrow \frac{\sigma^2}{\bar{x}} = \frac{۱۶}{۴۰} = \frac{۲}{۵}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۶- گزینه «۳»

حداقل ۲ ماهه سیاه یعنی یا ۲ تا سیاه یا ۳ تا سیاه. (دقت کنید هر ۴

(اسماعیل میرزایی)

تاس در ۲ حالت ۳ و ۶ مضرب ۳ است که ۲ پرتاپ سکه می‌کنیم و هر ۲ سکه نیز ۲ حالت دارد. در ۴ حالت دیگر تاس که مضرب ۳ نیست ۲ تاس دیگر پرتاپ می‌کنیم که هر تاس ۶ حالت دارد. بنابراین:

$$n(S) = ۲ \times ۲ \times ۲ + ۴ \times ۶ \times ۶ = ۸ + ۱۴۴ = ۱۵۲$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینه «۱»

تاس در ۲ حالت ۳ و ۶ مضرب ۳ است که ۲ پرتاپ سکه می‌کنیم و هر ۲ سکه نیز ۲ حالت دارد. در ۴ حالت دیگر تاس که مضرب ۳ نیست ۲ تاس دیگر پرتاپ می‌کنیم که هر تاس ۶ حالت دارد. بنابراین:

$$n(S) = ۲ \times ۲ \times ۲ + ۴ \times ۶ \times ۶ = ۸ + ۱۴۴ = ۱۵۲$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۲- گزینه «۴»

ابتدا مجموعه‌های A و B را مشخص می‌کنیم:

$$n(S) = ۲^۳ = ۸$$

$$A = \{(۵, ۵, ۵), (۵, ۵, ۶), (۵, ۶, ۵), (۶, ۵, ۵)\}$$

$$B = \{(۵, ۵, ۵), (۵, ۵, ۶), (۵, ۶, ۵), (۶, ۵, ۵)\}$$

$$\Rightarrow A - B = \{(۵, ۵, ۶), (۶, ۵, ۶)\}$$

$$\Rightarrow n(A - B) = ۴ = ۲^۴ = ۱۶$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۳- گزینه «۲»

هر سکه ۲ حالت و تاس ۶ حالت دارد، بنابراین:

$$n(S) = ۶ \times ۲ \times ۲ = ۲۴$$

تاس در ۳ حالت زوج و ۲ سکه در ۲ حالت یکسان هستند، پس:

$$n(A) = ۳ \times ۲ = ۶$$

$$\Rightarrow P(A) = \frac{۶}{۲۴} = \frac{۱}{۴}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۴- گزینه «۴»

احتمال قرمز رنگ بودن $P(A) =$

تعداد اعضای فضای نمونه برابر تعداد گویها یعنی $x = ۳ + ۵ + ۶ = ۱۴$ و تعداد گوی قرمز رنگ برابر ۳ است، بنابراین:

$$P(A) = \frac{۳}{۳+۵+x} = \frac{۱}{۴} \Rightarrow ۱۲ = ۸ + x \Rightarrow x = ۴$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۵- گزینه «۳»

(امیر محمودیان)

$$n(S) = \binom{10}{5} = \frac{10!}{5! \times 5!} = 252$$

برای آن که تعداد بازیگران بیشتر از تعداد خواننده‌ها و تعداد خواننده‌ها بیشتر از تعداد کارگردان‌ها باشد، حالات زیر قابل قبول است:
الف) ۴ بازیگر، ۱ خواننده و صفر کارگردان:

$$\binom{5}{4} \times \binom{3}{1} \times \binom{2}{0} = ۵ \times ۳ \times ۱ = ۱۵$$

ب) ۳ بازیگر، ۲ خواننده، صفر کارگردان:

$$\binom{5}{3} \times \binom{3}{2} \times \binom{2}{0} = ۱۰ \times ۳ \times ۱ = ۳۰$$

$$P(A) = \frac{n(A)}{n(S)} = \frac{۱۵ + ۳۰}{252} = \frac{۴۵}{252} = \frac{۵}{28}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)



با توجه به نکته بالا برای $1 < \frac{x}{2} \leq \frac{1}{2}$ داریم:

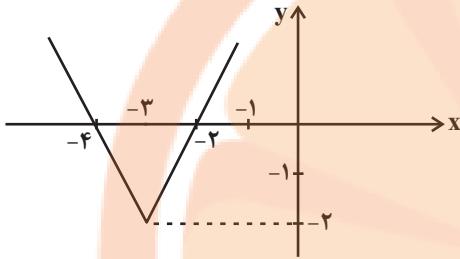
$$\left[\frac{x}{2} \right] + \left[-\frac{x}{2} \right] = -1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

(امیر رضا ذاکر زاده)

۱۶- گزینه «۳»

با رسم تابع $y = 2|x+3|-2$ می‌توان برد تابع را مشخص کرد.



با توجه به نمودار برد تابع برابر است با:

$$\{y \in \mathbb{R} \mid y \geq -2\}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

(محمد بهیرایی)

۱۷- گزینه «۲»

$$\begin{aligned} f(x) &= 2|x-3|+1 = \begin{cases} 2(x-3)+1, & x \geq 3 \\ -2(x-3)+1, & x < 3 \end{cases} \\ &= \begin{cases} 2x-5, & x \geq 3 \\ -2x+7, & x < 3 \end{cases} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۲)

(امیر رضا ذاکر زاده)

۱۸- گزینه «۲»

$$\begin{aligned} f(x) &= \begin{cases} x+3, & x > -3 \\ -x-3, & x \leq -3 \end{cases} \\ \Rightarrow (f-g)(x) &= \begin{cases} x+3-2x-1, & x > -3 \\ -x-3-x+1, & x \leq -3 \end{cases} \\ &= \begin{cases} -x+2, & x > -3 \\ -2x-2, & x \leq -3 \end{cases} \end{aligned}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۹)

(محمد یگانه)

۱۹- گزینه «۲»

ضابطه تابع $\left(\frac{f}{g} \right)(x)$ را به دست می‌آوریم: (خطی که از نقاط $(1, 0)$, $(-1, 0)$ و $(0, -1)$ می‌گذرد).

$$\left(\frac{f}{g} \right)(x) = x-1$$

$$\Rightarrow \frac{f(x)}{g(x)} = \frac{x^2-1}{g(x)} = x-1 \Rightarrow g(x) = \frac{x^2-1}{x-1}$$

$$\Rightarrow g(x) = \frac{(x-1)(x+1)}{x-1} = x+1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۹ تا ۴۱)

(امیر رضا ذاکر زاده)

۱۱- گزینه «۳»

طبق تعریف تابع علامت داریم:

$$\text{sign}(\sqrt{19}-3) = 1$$

مثبت

$$\text{sign}(-2) = -1$$

منفی

$$\Rightarrow A = -2 - 1 = -3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه ۳۵)

(محمد یگانه)

۱۲- گزینه «۱»

در تابع پلکانی هر ضابطه آن مقداری ثابت است. پس در ضابطه اول ضریب

x برابر صفر و در ضابطه دوم ضریب x^2 برابر صفر است. در نتیجه:

$$\begin{cases} 2a+b=0 \\ a-2b=-5 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} 4a+2b=0 \\ a-2b=-5 \end{cases} \Rightarrow 5a=-5 \Rightarrow a=-1$$

$$\frac{a=-1}{2a+b=0} \Rightarrow b=2 \Rightarrow a+b=-1+2=1$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۵ تا ۳۷)

(محمد بهیرایی)

۱۳- گزینه «۳»

ابتدا مقدار $f(5)$ را محاسبه می‌کنیم:

$$f(5) = 3\left[\frac{5}{2}\right] + 1 = 3 \times 2 + 1 = 7$$

$$\Rightarrow g(2) = \left[\frac{7}{2} - \frac{1}{3}\right] = \left[\frac{21-2}{6}\right] = \left[\frac{19}{6}\right] = 3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

(جواد زنگنه قاسم‌آبادی)

۱۴- گزینه «۳»

ابتدا محدوده عدد داخل هر جزء صحیح را به دست می‌آوریم:

$$9 < 15 < 16 \Rightarrow 3 < \sqrt{15} < 4$$

$$\Rightarrow 1 < \sqrt{15} - 2 < 2 \Rightarrow [\sqrt{15} - 2] = 1$$

$$-1 < -0/0 < 0 \Rightarrow [-0/0] = -1$$

$$2 < \sqrt{7} < 3 \Rightarrow [\sqrt{7}] = 2$$

$$3 < \frac{15}{4} < 4 \Rightarrow \left[\frac{15}{4}\right] = 3$$

$$\Rightarrow A = \frac{3 \times 1 + (-1)}{2 - 2 \times (3)} = \frac{2}{-4} = -\frac{1}{2}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

(محمد بهیرایی)

۱۵- گزینه «۲»

ابتدا محدوده x و سپس $\frac{x}{2}$ را به دست می‌آوریم:

$$2[x+1] = 4 \Rightarrow [x+1] = \frac{4}{2} = 2 \Rightarrow 2 \leq x+1 < 3$$

$$\Rightarrow 1 \leq x < 2 \Rightarrow \frac{1}{2} \leq \frac{x}{2} < 1 \Rightarrow \frac{x}{2} \notin \mathbb{Z}$$

$$\text{نکته: } y = [a] + [-a] = \begin{cases} -1, & a \notin \mathbb{Z} \\ 0, & a \in \mathbb{Z} \end{cases}$$



ج) بی مبالاتی و یا سوءاستفاده برخی از صرافان از اعتماد مردم و یا تعداد زیاد انواع رسیدها و صرافی‌ها، که آشنایی و اعتبارستجوی آن‌ها برای مردم سخت کرده بود، موجب شد تا دولتها برای جلوگیری از بروز این‌گونه مشکلات به ناچار چاپ و انتشار اسکناس را بر عهده گیرند.
(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

۲۳- گزینه «۲» (مسرین بعفری)

$$\text{نفر} = ۸۵,۰۰۰,۰۰۰ + ۴۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۲۷,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow \text{جمعیت کشور}$$

$$\text{نفر} = ۸۵,۰۰۰,۰۰۰ \times \frac{۴۰}{۱۰۰} = ۳۴,۰۰۰,۰۰۰ = ۸۵,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow \text{جمعیت فعال}$$

$$\text{جمعیت بیکار} + \text{جمعیت شاغل} = \text{جمعیت کشور} \Rightarrow$$

$$\text{نفر} = ۱۰,۲۰۰,۰۰۰ = ۱۰,۲۰۰,۰۰۰ - ۲۳,۸۰۰,۰۰۰ = ۳۶,۰۰۰,۰۰۰$$

$$\text{جمعیت بیکار} = ۱۰,۲۰۰,۰۰۰ \times ۱۵ = ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ \rightarrow \text{نرخ بیکاری}$$

$$\text{درصد} = \frac{۱۰,۲۰۰,۰۰۰}{۳۶,۰۰۰,۰۰۰} = ۳۰ \rightarrow \text{نرخ بیکاری}$$

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

۲۴- گزینه «۳» (مهدی فیبانی)

در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد، معمولاً سیاست‌های انبساطی پول (سیاست افزایش نقدینگی یا همان افزایش حجم پول در گردش) اعمال می‌شود.

یکی از روش‌هایی که بانک مرکزی کشورها برای کنترل تورم و تنظیم نقدینگی در گردش به کار می‌گیرد، سیاست بازار باز (فروش اوراق مشارکت) است. در این روش بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت (در هنگام تورم) به طور مستقیم از مقنار نقدینگی در دست مردم بکاهد یا با خرید اوراق مشارکت (در هنگام رکود اقتصادی) نقدینگی بیشتری به جامعه تزریق کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۱۰۳)

۲۵- گزینه «۲» (مهدی فیبانی)

بیکاری ساختاری: بیکاری‌ای که ناشی از عدم تطبیق بین افراد جویای کار و انواع شغل‌های موجود به دلایلی از جمله عدم تطابق مهارت‌هast، مثلاً نیروی کار ساده در اقتصاد وجود دارد ولی نیروی کار متخصص مورد نیاز است.

بیکاری دوره‌ای: بیکاری‌ای که هنگام رکود اقتصادی رخ می‌دهد. در دوره رکود، تولید کاهش می‌یابد و به همین دلیل شرکت‌ها استخدام خود را متوقف می‌کنند یا بخشی از نیروهای خود را بیکار می‌کنند. (وجود منابع غیرفعال در جامعه)

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۷)

۲۶- گزینه «۴» (مائده هسنی)

تشرییم مواد نادرست:

ب) با توجه به مفهوم فقر نسبی، می‌توان گفت که محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار پیچیده و سخت و شاید ناممکن است. از این‌رو مفهوم دیگری تعریف می‌شود به نام «فقر مطلق» که مطابق با آن می‌توان معیاری را برای سنجش میزان فقر در نظر گرفت؛ به عنوان مثال، مطابق با معیار بانک جهانی، افرادی که زیر $\frac{1}{9}$ دلار در روز درآمد دارند، زیر خط فقر مطلق‌اند و از تأمین احتیاجات اولیه زندگی خود عاجزند.

ج) در ساخت فقر مطلق، ارزش دلار، از طریق روش برابری قدرت خرید محاسبه می‌شود.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۱۱۱ و ۱۱۹)

۲۰- گزینه «۳» (محمد ابراهیم تووزنرده‌هانی)

سهمی در نقطه‌هایی به طول صفر و x محور x را قطع می‌کند. پس معادله سهمی به صورت $y = a(x - ۰)(x - ۴)$ نوشته می‌شود و نقطه $(۲, ۳)$ رأس سهمی است، پس:

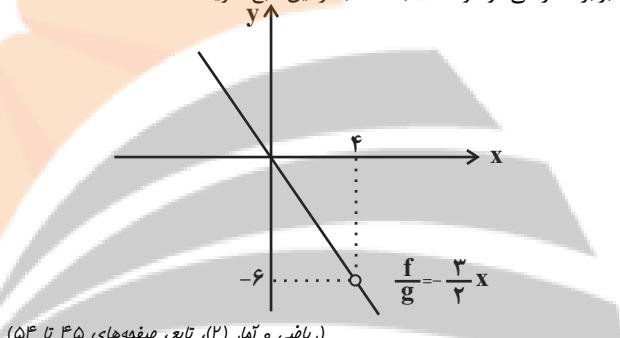
$$x_8 = \frac{۰+۴}{۲} = ۲$$

$$f(x) = ax(x - ۴) \rightarrow ۳ = ۲a(-۲) \Rightarrow a = \frac{-۳}{۴}$$

خط g از دو نقطه $(۰, -۲)$ و $(۴, ۰)$ می‌گذرد و معادله اش $y = \frac{x - ۴}{۲}$ است. پس:

$$g(x) = \frac{\frac{-۳}{۴}x(x - ۴)}{x - ۴} = \frac{x \neq ۴}{\frac{-۳}{۴}x}$$

پس برد $\frac{f}{g}$ به صورت $\{ -6 \rightarrow R \}$ است. چون به ازای $x = +4$ تابع y برابر صفر می‌شود و نقطه $(4, -6)$ در این تابع تعریف نشده است.



اقتصاد

۲۱- گزینه «۳» (کتاب آبی)

با کاهش تولید و پدید آمدن رکود، کارگران کمتری هم مورد نیاز است و سرمایه کمتری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در چنین شرایطی اقتصاد دارای منابع بیکاری است که این منابع می‌توانست برای تولید کالا و خدمات استفاده شود، اما از آن‌ها برای تولید هیچ قیز استفاده نمی‌شود. وجود منابع بیکار سبب می‌شود که کشور در زیر مرز امکانات تولید قرار گیرد. دلایل مختلفی برای قرارگرفتن در درون مرز امکانات تولید به جای قرارگرفتن روی آن وجود دارد. شاید برخی از کارخانه‌ها بسته شده‌اند و یا بعضی از کارگرها بیکار هستند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

۲۲- گزینه «۳» (علیرضا رضایی)

الف) اطمینانی که مردم به ارزش پول در مبادلات دارند، «پشتوانه پول» به شمار می‌رود. زمانی که پول فلزی (طلاء و نقره) رایج بود، پشتوانه پول همان طلا و نقره موجود در خود پول بود. پشتوانه پول کاغذی هم پول‌های فلزی و شمشهای طلا و جواهراتی بود که نزد صراف یا بانک بود؛ اما امروزه پول‌های فلزی، کاغذی، تحریری و الکترونیکی که در دست افراد از حساب آن‌هast، پشتوانه‌ای جز قدرت اقتصادی کشور ندارد.

ب) وسیله پرداخت‌های آینده: در صورتی که پول بتواند حفظ ارزش کند، می‌تواند وسیله مناسبی برای پرداخت‌های آینده نیز باشد. این وظیفه پول در روزگار ما کاملاً محسوس است؛ زیرا بیشتر معاملات تجاری در مقابل پرداخت‌های آینده صورت می‌گیرد. خرید اقساطی و رد و بدل کردن حواله‌های بانکی از همین نوع است.



روان‌شناسی

(موسی عفتی)

«۳۱- گزینه ۲»

در امتحانات تشریحی، کمترین میزان نشانه‌های بازیابی در اختیار فرد قرار داده می‌شود و بر عکس، در امتحانات چند گزینه‌ای، پاسخ سؤالات در یکی از گزینه‌ها داده می‌شود و فرد تعداد زیادی نشانه در اختیار دارد.

(روان‌شناسی، حافظه و عمل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۰۳)

(فرهار علی نژاد)

«۳۲- گزینه ۲»

مراحل حافظه عبارت‌اند از: رمزگردانی، ذخیره‌سازی (اندوش) و بازیابی. وقتی یک بیت شعر را تکرار می‌کنیم تا یاد بگیریم، در حال رمزگردانی آن هستیم (رد گزینه ۱). بعد از یادگیری، تا وقتی بخواهیم بیت را بازگو کنیم، در مرحله ذخیره‌سازی یا اندوش هستیم. بازگو کردن شعر نیز همان مرحله بازیابی است (رد گزینه ۴). در مرحله بازیابی ممکن است پدیده نوکریانی اتفاق بیفتد (رد گزینه ۳).

(روان‌شناسی، حافظه و عمل فراموشی، صفحه‌های ۹۱ تا ۹۳)

(کتاب آبی)

«۳۳- گزینه ۳»

حافظه با توجه به نوع اطلاعات، به دو نوع رویدادی و معنایی تقسیم می‌شود. پاسخ به سؤال اول دربرگیرنده شکل‌گیری حافظه رویدادی است که به یک زمان و مکان مشخص مربوط می‌شود؛ اما پاسخ به سؤال دوم دربرگیرنده دانش عمومی افراد است و در حیطه حافظه معنایی قرار می‌گیرد.

(روان‌شناسی، حافظه و عمل فراموشی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

(مهری پاحدی)

«۳۴- گزینه ۳»

حافظه رویدادی براساس تجربه مشخصی است که به یک زمان و مکان مشخص مربوط می‌شود. «آخرین مبحث تدریس شده در کلاس ریاضی» با توجه به داشتن زمان و مکان مشخص مربوط به حافظه رویدادی است. همچنین حافظه معنایی مربوط به ذخیره دانش عمومی است که زمان و مکان مشخص ندارد؛ پس «أنواع دنباله براساس رابطه بین جملات» مربوط به حافظه معنایی می‌شود.

(روان‌شناسی، حافظه و عمل فراموشی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

(کتاب آبی)

«۳۵- گزینه ۲»

- اولین فن روش پس خبا، پیش‌خوانی کردن مطالب است.
- منظور از ساماندهی مطالب، نظم‌بخشی، دسته‌بندی و قفسه‌بندی اطلاعات است.

- بسط معنایی به این معنا است که هرچه مثال‌های بیشتری مطرح شود، مفهوم مورد نظر بهتر از سایر مفاهیم در حافظه می‌ماند.

(روان‌شناسی، حافظه و عمل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۸)

(همیرفنا توکلی)

«۳۶- گزینه ۳»

نگهداری مطالب به مرحله «اندوش» اطلاعات اشاره دارد. مرور اطلاعات از فراموشی اطلاعات جلوگیری می‌کند. گزینه‌های «۱» و «۴» به مرحله رمزگردانی و گزینه «۲» به مرحله بازیابی اشاره دارند.

(روان‌شناسی، حافظه و عمل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۵ تا ۱۰۹)

(نسرین بعفری)

$$1399 = \text{هزینه سبد بازار در سال} + (20 \times 200) + (50 \times 700) + (80 \times 1000)$$

$$= 80,000 + 35,000 + 4,000 = 119,000$$

$$1400 = \text{هزینه سبد بازار در سال} + (20 \times 210) + (50 \times 800) + (80 \times 1,500)$$

$$= 120,000 + 40,000 + 4,200 = 164,200$$

$$1400 \times 100 = \frac{\text{هزینه سبد بازار در سال}}{\text{هزینه سبد بازار در سال}} = \frac{1400}{1399} \times \text{cpi}$$

$$= \frac{164,200 - 119,000}{119,000} \times 100 = 37 / 98$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۱۰)

«۲۷- گزینه ۲»

$$1399 = \text{هزینه سبد بازار در سال} + (20 \times 200) + (50 \times 700) + (80 \times 1000)$$

$$= 80,000 + 35,000 + 4,000 = 119,000$$

$$1400 = \text{هزینه سبد بازار در سال} + (20 \times 210) + (50 \times 800) + (80 \times 1,500)$$

$$= 120,000 + 40,000 + 4,200 = 164,200$$

$$1400 \times 100 = \frac{\text{هزینه سبد بازار در سال}}{\text{هزینه سبد بازار در سال}} = \frac{1400}{1399} \times \text{cpi}$$

$$= \frac{164,200 - 119,000}{119,000} \times 100 = 37 / 98$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۱۰)

«۲۸- گزینه ۱»

(الف) در سطح دستمزد ۶ میلیون تومان، بازار به تعادل می‌رسد. یعنی دستمزد

درخواستی نیروی کار برای اشتغال با دستمزد پرداختی از سوی کارفرما

برابر است. در این سطح از دستمزد، تعداد عرضه و تقاضای نیروی کار نیز با

هم برابر می‌شود. این تعداد یعنی $6,500,000$ نفر را مقدار تعادلی می‌نامند.

(ب) در سطح دستمزد بالای ۶ میلیون تومان، بازار دارای مازاد عرضه است.

تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی

کارفرمایان تمایلی به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد

ندارند، در نتیجه چون گروهی از افراد بیکار هستند، حاضرند با سطح

دستمزد پایین‌تری کار را انجام دهند؛ در نتیجه دستمزد تا سطح رسیدن به

دستمزد تعادلی پایین می‌آید.

(پ) اگر دولت میزان دستمزد پرداختی به نیروی انسانی را افزایش دهد، بر

روی منحنی عرضه و از نقطه O به B حرکت خواهیم کرد.

(اقتصاد، رکور، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۷ و ۸۸)

(مهری فیبانی)

«۲۹- گزینه ۱»

(الف) دلایل بوجود آمدن تورم در جامعه:

۱- نابرابری عرضه و تقاضای کل در اقتصاد (فزوی تقاضا بر عرضه)

۲- همان‌نگ نبودن افزایش نقدینگی در کشور با افزایش تولید

دلایل بوجود آمدن تورم در کشور ما:

- افزایش درآمدهای نفتی

- نوسانات نرخ ارز

(ب) دولت برای مقابله و کنترل تورم باید میزان عرضه کالاهای را افزایش دهد.

دولت به دو روش می‌تواند عرضه را افزایش دهد؛ روش اول آن است که

ظرفیت‌های تولیدی را افزایش دهد؛ اما آنچاکه این روش معمولاً زمان بر

است، دولت‌ها ترجیح می‌دهند از طریق افزایش واردات، بازار را تنظیم کنند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۱۰۳)

(مانده همسنی)

«۳۰- گزینه ۳»

(الف) استفاده از فلزات به عنوان پول، فعالیت‌هایی از قبیل دریانوردی و حمل

و نقل را رونق بخشید.

(ب) ساکنان تبت و ایران حاضر بودند کالاهای اضافی خود را به ترتیب با

چای و غلات مبادله کنند.

(ج) پشتونه رسیدها، طلا و نقره‌ای بود که نزد صرافان و بازرگانان نگهداری می‌شد.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه‌های ۹۴ و ۹۵)



اقتصاد

(نسرین بعفری)

«۴۱- گزینه ۳»

$cpi = \frac{\text{هزینه سبدبازار در ماه (سال) قبل}}{\text{هزینه سبدبازار در ماه (سال)}} \times 100$

هزینه کالاها و خدمات مصرفی سبد خانوار در سال $= ۱۳۹۶$

$$20 = \frac{x - 1400}{1400} \times 100 \Rightarrow 20 = \frac{x - 1400}{14}$$

$$\Rightarrow 280 = x - 1400 \Rightarrow x = 280 + 1400 = 1680$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۱۰)

(مهدی فیاضی)

«۴۲- گزینه ۴»

بیکار کسی است که بالاتر از ۱۵ سال دارد و در جستجوی کار است؛ اما کاری برای خود پیدا نمی‌کند. بنابراین کسانی که دانش‌آموز و دانشجو هستند و یا بازنشسته و خانه‌دارند و دنبال کار نمی‌گردند، بیکار محسوب نمی‌شوند.

همچنین طبق تعریف، کسانی را که از جستجوی شغل دلسرد شده‌اند بیکار محسوب نمی‌کنند!

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۱۵ و ۱۶)

(سارا شریفی)

«۴۳- گزینه ۳»

الف) در اقتصاد ایران، عامل «بی ثباتی در قیمت‌ها» بر بی ثباتی بازار کار و فعالیت اقتصادی اثر منفی قابل توجهی گذاشته است و یکی از عوامل مهم بیکاری و رکود بهشمار می‌رود.

ب) دولتها موظفاند از طریق «حمایت از شرکت‌های تولیدی» و «مبارزه با فساد»، با فقر و بیکاری مبارزه کنند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۹۰)

(نسرین بعفری)

«۴۴- گزینه ۴»

(الف)

$$\begin{aligned} & \text{جمعیت بیکار ۱۵ ساله و بیشتر} \\ & \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری} \\ & \text{جمعیت فعل ۱۵ ساله و بیشتر} \\ & \times ۱۰۰ = \text{نرخ بیکاری} \\ & \text{درصد } ۳۲ = \frac{11,277,000}{34,700,000} \end{aligned}$$

ب) چرا بیکاری را بیشتر از آنچه اعلام می‌شود، احساس می‌کنیم؟
* کسانی که از جستجوی شغل دلسرد شده‌اند، بیکار محسوب نمی‌شوند.
* همه کسانی را که به صورت پاره وقت مشغول به کارند شاغل به حساب می‌آورند، در حالی که آن‌ها در جستجوی شغل تمام وقت هستند و خود را شاغل به حساب نمی‌آورند.

* همه کسانی را که در غیر از زمینه تحصصی‌شان مشغول به کار و فعالیت باشند، شاغل محسوب می‌کنند.

* برخی افراد نیز ممکن است به دلایلی مانند اشتغال در بخش غیررسمی یا به امید بهره‌مندی از بیمه بیکاری و ... با مأموران آمارگیری درباره وضعیت شغلی خود با صداقت برخورند نکنند.

(فرهاد علی نژاد)

«۳۷- گزینه ۳»

فراختنی ارقام، تعداد ماده‌های اطلاعاتی است که می‌توانیم در حافظه کوتاه‌مدت ذخیره کنیم. این مفهوم نشان می‌دهد که ظرفیت حافظه کوتاه‌مدت بین ۵ تا ۹ ماده اطلاعاتی را در بر می‌گیرد.

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱۱: فراختنی ارقام به محدود بودن ظرفیت حافظه کوتاه‌مدت اشاره دارد.

گزینه ۲۲: ایجاد فضای کار فعالیت جاری ذهن، مربوط به حافظه کاری است، درصورتی که فراختنی ارقام مربوط به حافظه کوتاه‌مدت است.

گزینه ۴۴: شخص می‌تواند ۲۰ رقم را در حافظه کوتاه‌مدتش ذخیره کند، اما به شرطی که این ۲۰ رقم را در قالب حداقل ۹ گروه مرتب کند؛ مثلاً ارتباط‌هایی میان این ارقام ایجاد کند و آن‌ها را در ۹ دسته قرار دهد. به این ترتیب، اصل فراختنی ارقام رعایت می‌شود.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۹۶ و ۹۷)

(محمد رضا توکلی)

«۳۸- گزینه ۴»

تشریف گزینه‌های نادرست:

گزینه ۱۱: حافظه ابزار است نه غایت.

گزینه ۲۲: حافظه تمام‌شنبه رایانه نیست و سعی در تعالی شناختی دارد.

گزینه ۳۳: حافظه در نقش تأمین داده است نه پردازش داده‌ها.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۱۰۹)

(مهربانی با هدف)

«۳۹- گزینه ۱»

تطبیق فن بهسازی حافظه و عامل مؤثر بر فراموشی هدف گرفته شده:

فن بهسازی حافظه	عامل فراموشی هدف گرفته شده
بیان اهمیت مطالب	عدم رمزگردانی
پرهیز از همزمانی چند فعالیت (توجه ناقص)	تداخل اطلاعات
مرور کارآمد	اثر گذشت زمان
کاهش فاصله زمانی بین یادگیری یک مطلب و یادآوری آن	اثر گذشت زمان
عیقیق (یادگیری تداخلی)	تداخل اطلاعات
یادگیری با استراحت	تداخل اطلاعات
مطالعه چند حسی	تداخل اطلاعات
آزمون مکرر	مشکلات مربوط به نشانه‌های بازیابی

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه‌های ۱۰۹ و ۱۱۰)

(موسی افتخاری)

«۴۰- گزینه ۳»

از آن جا که شکل‌گیری حافظه کاری، علاوه بر اثرباری از زمان، تابع میزان استفاده ما هم است، بنابراین ظرفیت ذخیره‌سازی و زمان بازیابی اطلاعات، برخلاف حافظه کوتاه‌مدت، می‌تواند بیشتر باشد.

(روان‌شناسی، حافظه و علل فراموشی، صفحه ۹۷)



در این سطح از دستمزد به دلیل پایین بودن آن، مؤسسات و بنگاه‌ها تمايل زیادی به استخدام نیروی کار دارند ولی نیروی کار حاضر به استخدام با این سطح از دستمزد نیست، در نتيجه کارفرمایان مجبور می‌شوند سطح دستمزد را افزایش دهند، در این حالت تمايل افراد برای استخدام نیز افزایش می‌یابد. دستمزد تا رسیدن به سطح دستمزد تعادلی افزایش می‌یابد. (اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۶ و ۸۷)

(سازمان اقتصادی)

۴۸- گزینه «۳»

زمانی که اقتصاد کشور گرفتار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی با همان کاهش حجم پول در گردش (سیاست پولی انقباضی) را به کار می‌گیرد.
بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به طور مستقیم از مقدار نقدینگی در دست مردم بکاهد.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۹۰)

(سازمان اقتصادی)

۴۹- گزینه «۳»

(الف) در فقر نسبی، تعریف فقر نسبت به وضعیتی که در آن هستیم صورت می‌گیرد و در نتیجه معیار فقر در مناطق و زمان‌های مختلف متفاوت است.
(ب) با توجه به تعریف فقر نسبی، محاسبه تعداد افراد فقیر بسیار سخت، پیچیده و شاید ناممکن است. در نتیجه مفهوم فقر مطلق به کار گرفته می‌شود.
(ج) در شاخص فقر مطلق، ارزش دلار از طریق روش برآری قدرت خرید محاسبه می‌شود.

(د) می‌توان میزان تولید ناخالص داخلی یا درآمد سرانه کشورها را معياری برای رتبه‌بندی کشورها از نظر فقر، در نظر گرفت.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه ۸۹)

(سازمان اقتصادی)

۵۰- گزینه «۴»

زمانی که اقتصاد کشور دچار تورم می‌شود، برای پیشگیری از افزایش قیمت‌ها یا کاهش سرعت آن، بانک مرکزی سیاست کاهش نقدینگی با همان کاهش حجم پول در گردش را به کار می‌گیرد.
بانک مرکزی می‌تواند با اعمال سیاست بازار باز (= فروش اوراق مشارکت):
(در این روش بانک مرکزی می‌تواند با فروش اوراق مشارکت به مردم به طور مستقیم از مقدار پول در دست مردم بکاهد). تورم را کنترل و نقدینگی در گردش را کاهش دهد.
در حالت رکود اقتصادی که سطح تولید کاهش و بیکاری افزایش می‌یابد.
بانک مرکزی سیاست افزایش نقدینگی در گردش را به کار می‌گیرد. بانک مرکزی می‌تواند با خرید اوراق مشارکت در دست مردم به طور مستقیم نقدینگی را به جامعه تزریق کند.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۹۰)

* مجموعه این دلایل سبب می‌شود که نرخ بیکاری از مقدار واقعی اش فاصله داشته باشد. ولی در هر صورت نرخ بیکاری بهترین سنجه برای مشخص شدن وضعیت بیکاری در جامعه است.

(ج) عرضه کننده نیروی کار، همان کارگرانی هستند که با نیروی بدنی و یا فکری خود، محصول یا خدمتی را تولید می‌کنند و حاضرند کار خود را در اختیار تقاضاکنندگان قرار دهند. تقاضاکنندگان نیروی کار، صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌ها یا سرمایه‌گذارانی هستند که نیروی کار را استخدام می‌کنند و گاهی در اقتصاد به آن‌ها کارفرما هم می‌گویند.

(اقتصاد، رکود، بیکاری و فقر، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

(مانه همسنی)

۴۵- گزینه «۱»**تشییر مواد نادرست:**

(الف) اموزه پول‌های فلزی، کاغذی، تحریری و الکترونیکی که در دست افراد یا در حساب آن‌هاست، پشتونهای جز قدرت اقتصادی کشور ندارد.
(ب) نقش اصلی پول در مبادلات، آسان‌سازی مبادله است.

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

(کنکور سراسری ۹۷)

۴۶- گزینه «۳»

$$\begin{aligned} \text{سطح قیمت قبلی} - \text{سطح قیمت جدید} &= \text{تورم} \\ \frac{\text{سطح قیمت قبلی}}{\text{سطح قیمت قبلی}} \times 100 &= \text{تورم کالای B} \\ \frac{748,120 - 634,000}{634,000} \times 100 &= 18 \\ \text{درصد } 18 = \text{تورم کالای A} &= \text{تورم کالای B} \\ \frac{66,552 - x}{18} = 0 / 18 &\Rightarrow x = 66,552 - x \\ \frac{66,552}{18} &= 56,400 \\ \Rightarrow y = 112,572 &= 12,172 = y - 95,400 \\ \text{درصد } 12 = \text{تورم کالای C} &= y - 95,400 \end{aligned}$$

(اقتصاد، تورم و کاهش قدرت فرید، صفحه ۹۰)

(کتاب آبی)

۴۷- گزینه «۱»

(الف) در سطح دستمزد $\frac{3}{5}$ میلیون تومان، بازار به تعادل می‌رسد و تمامی 30 نفر متلاطفی کار به استخدام در می‌آیند. یعنی دستمزد درخواستی نیروی کار برای اشتغال با دستمزد پرداختی از سوی کارفرما برابر است.

(ب) در سطوح دستمزد بالاتر از دستمزد تعادلی (4 میلیون تومان) بازار دارای مازاد عرضه است.

تعداد زیادی از افراد حاضر به کار در این سطح دستمزد هستند ولی کارفرمایان تمایلی به استخدام این تعداد از افراد با این سطح دستمزد ندارند. در نتیجه چون گروهی از افراد بیکار هستند، حاضرند با سطح دستمزد پایین‌تری کار را انجام دهند، در نتیجه دستمزد تا سطح رسیدن به دستمزد تعادلی پایین می‌آید.

(ج) در سطوح دستمزد پایین‌تر از دستمزد تعادلی (2 میلیون تومان) بازار با مازاد تقاضا رویه رو است.



۵۶- گزینه «۴»
 دست جود و «پای قدرت» اضافه اقترانی است و بیت دارای موازن است.
 (دست- پای / جود- قدرت / جهان- فلک / همی / بخشش- ساید)
بررسی سایر گزینه‌ها:
 گزینه «۱»: موازن است: هم / هم / عقل- شرع، دویده- خزیده / در- در / رکابت- پناه استعاره: دویدن عقل و خزیدن شرع استعاره و تشخیص می‌باشد.
 گزینه «۲»: دامن آفاق: اضافه استعاری / موازن است: وز / عکس- یاد / رخت- لب / دامن- خاطر / آفاق- عاشق / گلستان- طربناک
 گزینه «۳»: گوش چرخ: تشخیص و استعاره / موازن است: ز / آب- بانگ / دیده- ناله / من- من / فرش- گوش / خاک- چرخ / تر- کر / می‌شد- می‌گشت
 (علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بربع، ترکیبی)

۵۷- گزینه «۳»
 (مسن اصغری)
 کلمات دو مصراع دارای سجع‌های متوازن و متوازی هستند، به جز دو کلمه آخر مصراع‌ها. پس موازن است: دیده نمی‌شود.
 ماه نو: استعاره از مشعوق - باع: استعاره از محفل
 سبب می: تشبيه (شراب به سبب تشبيه شده است)
تشريح گزینه‌های دریگ:
 گزینه «۱»: این بیت موازنه و تشبيه ندارد. (استعاره و تشخیص دارد: عقل و عشق گوید)
 گزینه «۲»: این بیت استعاره ندارد. (موازن است و تشبيه دارد؛ تشبيه: زنجیر دو زلف)
 گزینه «۴»: این بیت استعاره ندارد. (موازن است و تشبيه دارد؛ تشبيه: مصر مملکت و بحر سلطنت)
 (علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بربع، ترکیبی)

۵۸- گزینه «۴»
 (کلام‌کاظمی)
 ترجیح: مقابل هم قرار گرفتن سجع‌های متوازن یا تقابل کلمات هم‌وزن در هر دو مصراع که در حرف (حروف) پایانی نیز مشترک هستند.
 تلمیح: اشاره به «ستار العیوب و علام الغیوب» و «تعز مَنْ تشاء و تذلَّ مَنْ تشاء»
تشريح گزینه‌های دریگ:
 گزینه «۱»: موازن است: اما ترجیح و تلمیح ندارد.
 گزینه «۲»: موازن و تلمیح دارد، اما ترجیح ندارد.
 گزینه «۳»: ترجیح دارد، اما تلمیح ندارد.
 (علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بربع، ترکیبی)

۵۹- گزینه «۳»
 (سهر غلام‌پور)
 تشبیه: (۱) موی میان (۲) دو زلف به افعی ضحاک (۳) چهره به جام جم
 تلمیح: اشاره به داستان ضحاک ماردوش و هم‌چنین جام جهان‌نمای چمشید
بررسی سایر گزینه‌ها:
 گزینه «۱»: تشبیه: زلیخامشربان / تلمیح: به داستان حضرت یوسف (ع) اشاره دارد.
 گزینه «۲»: تشبیه: (۱) مرغ دل: اضافه تشبیهی / (۲) دام زلف: اضافه تشبیهی / (۳) دانه خال: اضافه تشبیهی / (۴) طایر اندیشه: اضافه تشبیهی / (۵) دام هوس: اضافه تشبیهی / این بیت فاقد تلمیح می‌باشد.
 گزینه «۴»: تشبیه: هر سوخته‌جانی که عقیق (لب) تو را مکیده، اگر چون «حضر» به هر جا پنهان، آن جا سبز می‌شود. (تشبیه «سوخته‌جان» به «حضر») / تلمیح: اشاره به «ماجرای حضرت خضر (ع) که به هر جا قدم می‌نهاد، آن جا سرسیز و باطراوت می‌شد.»
 (علوم و فنون ادبی (۱) و (۲)، بیان و بربع، ترکیبی)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۵۱- گزینه «۳»

طبق نظریه ارسسطو نام‌گذاری «سبک حمامی» براساس موضوع و نوع و «سبک فکاهی» براساس هدف است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات، صفحه‌های ۶۰ تا ۶۲، ۶۴ و ۶۵)

۵۲- گزینه «۳»

سه مورد نادرست است.

ب) دشمنی با استعمار و استبداد یکی از موضوعاتی بود که در نثر روزنامه‌ای بسیار مورد توجه قرار گرفت.

ج) نگرش شاعران و نویسندهای نسبت به جهان بیرون، از کلی‌نگری و

ذهبنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد.

د) در نثر این دوره واژه‌ها و ترکیب‌های عربی ناشناخته‌تر می‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۶)

۵۳- گزینه «۳»

تشريح گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: نثر در دوران مشروطه با هدف تأثیر بر عامه مردم گسترش یافت.

گزینه «۲»: نثر فارسی از آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه به سمت سادگی و روانی پیش رفت.

گزینه «۴»: اکثر نویسندهای این دوره، داستان را مطابق ذوق عامه مردم می‌نوشتند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۳۵ و ۳۶)

۵۴- گزینه «۴»

در بیت گزینه «۴»، شکوه از اوضاع زمانه (اینکه اکثر افراد بی‌درند و لايق شنیدن شکوه‌های شاعر نیستند) و غم‌گرایی دیده می‌شود که از ویژگی‌های سبک خراسانی نیست.

در گزینه «۱» روح نشاط و خوش‌باشی، در گزینه «۲» پند و اندرز ساده و عملی و در گزینه «۳» توصیفات طبیعی و عینی از ویژگی‌های سبک خراسانی هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه ۶۳)

۵۵- گزینه «۲»

این بیت از صائب تبریزی است و مضمون‌سازی صائب با استفاده از تخم سوخته (که امکان رشد ندارد، نشان از شعر سبک هندی دارد) ویژگی‌های شعر دوره بیداری در سایر ادبیات:

گزینه «۱»: آوردن واژگان فرنگی (پارلمان - کنگره به معنای مجلس) گزینه «۳»: نوآوری در عرصه تخیل (تشبیه روشنایی شب به فکرهای عرفانی)، از ایده‌آل اثر میرزا ده عشقی

گزینه «۴»: استفاده از لغت کهن (تئند)؛ شعر از بهار است که از شاعران سنت‌گرای این عصر بود. ضمناً در این بیت مضمون «وطن» به کار رفته است که از ویژگی‌های فکری عصر بیداری است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۴)



گزینه ۲: «خاک، باد، آب، آتش»: مراعات نظیر / «آب حیوان»: اشاره به آب حیات که در ظلمات است: تلمیح / «آتش عشق»: اضافه تشییه گزینه ۴: «غنچه به عیسی، شاخ به مهد، گل به مریم، خاموشی به مهر»: تشییه / اشاره به داستان حضرت عیسی (ع): تلمیح / «گل و غنچه و شاخ»: تناسب (علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و برع، ترکیبی)

۶- گزینه ۴: **تشریم سایر گزینه‌ها:**
گزینه ۱: اشاره به داستان حضرت آدم و اخراج او از بهشت به خاطر خوردن میوه منوعه دارد.
گزینه ۲: اشاره به داستان منصور حلاج دارد.
گزینه ۳: ید بیضا اشاره به نورانی شدن دست حضرت موسی (ع) دارد.
(علوم و فنون ادبی (۳)، برع معنوی، صفحه‌های ۳۳ تا ۳۵)

۶- گزینه ۳: **گزینه ۳:** فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل (۱۴ هجا)
تشریم سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: فعلون فعلون فعلون فعل (۱۰ هجا)
گزینه ۲: مقاعیلن مقاعیلن فعلون فعلون (۱۱ هجا)
گزینه ۴: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل (۱۳ هجا)
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۶- گزینه ۳: **(سهر غلام پور)**
الگوی صورت سوال و بیت گزینه ۳ بر وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعل» می‌باشد.
تشریم سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: فعلاتن فعلاتن فعل فعل
گزینه ۲: فعلاتن فعلاتن فعل فعلاتن فعل
گزینه ۴: فعلاتن فعلاتن فعل فعلاتن فعل
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۶- گزینه ۳: **(مبتدی فرهادی)**
تقطیع هجایی یک مصراع از بیت صورت سوال و یک مصراع از بیت گزینه ۳:

ل	ب	ش	ک	آن	م	ن	ب	یه	گو
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-
ید	رو	ب	من	ک	خا	ز	ک	گل	هر
-	-	U	-	U	-	U	U	-	-

تشریم گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: بین «امروز» و «فردا» تناسب وجود دارد. (توجه داشته باشید که بین «امروز» و «فردا»، تضاد وجود ندارد).
گزینه ۲: بین «مسجد» و «خداد» تناسب وجود دارد.
گزینه ۴: در ادبیات پارسی، «بلیل» نماد عاشق و «گل» نماد معشوق است که با یکدیگر تناسب دارند.
(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

۶- گزینه ۴: **(کنکور، خارج از کشور، ۱۴۰۰)**
ابیات گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ در پی بیان این نکته‌اند که عبادت، تصرع و گریه و زاری نیمه‌شب و سحرگاه به درگاه خداوند، تأثیر خود را می‌گذارد و برای انسان قبول درگاه الهی، دفع بلایا و ارزشمندی را به همراه دارد.
در بیت گزینه ۴، حافظ شوق لب عشوق را دلیل ازیادبردن ورد سحرگاه (عبادت سحرگاهی) و درس شبانه می‌داند.
(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۸)

۶- گزینه ۳:
الف) تلمیح دارد به داستان حضرت خضر که با نوشیدن آب بقا جاودانه شد.
ب) تلمیح ندارد.
ج) به داستان منصور حلاج و به دار آویخته شدن او اشاره دارد.
د) به داستان کوه کنده فرهاد از داستان «حسرو و شیرین» اشاره دارد.
ه) به داستان حضرت ابراهیم که آتش بر او گلستان شد، اشاره دارد
(علوم و فنون ادبی (۳)، برع معنوی، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۶- گزینه ۴: **(کاظم کاظمی)**
تضمين: سيف فرغاني مصراع دوم را از بيت زير، سروده سعدی، تضمين كرده است:
خون سعدی است نصيحت چه کند گر نکند / مشك دارد نتواند که کند پنهانش استعارة: مشك ← شعر و سخن ارزشمند
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: تضمين: سيف فرغاني مصراع دوم را از بيت زير از سعدی تضمين كرده است:
دوست دارم که بپوشی رخ همچون قمرت / تا چو خورشيد نبييند به هر بام و دزرت
(استعارة: ندارد)

گزینه ۲: تضمين: سيف فرغاني مصراع دوم را از بيت زير، سروده سعدی تضمين كرده است:
بغذار تا بگريم چون ابر در بهاران / کز سنگ ناله خيزد روز وداع ياران
(استعارة مصرحه: ندارد؛ توجه: استعارة موجود در اين بيت، مكننيه است)
گزینه ۳: تضمين: شهريل مصراع دوم را از بيت زير از حافظ تضمين كرده است:
منم که شهره شهرم به عشق ورزيدن / منم که دидеه نيلودهام به بد ديدن
(استعارة: ندارد)
(علوم و فنون ادبی (۲) و (۳)، بیان و برع، ترکیبی)

۶- گزینه ۳: **(یاسین مهریان)**
این بیت، فاقد تناسب (مرااعت‌نظیر) است.
توجه داشته باشید که «دور» در این بیت، در معنای «روزگار» به کار رفته است و معنای ثانویه آن که «گردش جام شراب» است در این بیت کاربرد ندارد و می‌تواند با واژه «جام»، ایهام تناسب به وجود آورد؛ نه «تناسب».
تشریم سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: بین «امروز» و «فردا» تناسب وجود دارد. (توجه داشته باشید که بین «امروز» و «فردا»، تضاد وجود ندارد).
گزینه ۲: بین «مسجد» و «خداد» تناسب وجود دارد.
گزینه ۴: در ادبیات پارسی، «بلیل» نماد عاشق و «گل» نماد معشوق است که با یکدیگر تناسب دارند.
(علوم و فنون ادبی (۳)، برع معنوی، صفحه‌های ۳۰ و ۳۹)

۶- گزینه ۳: **(سید علیرضا احمدی)**
«جام باده، [امانند] کشته است»، «غم [امانند] بحر پر موج»: تشییه / تلمیح ندارد. / «کشته و موج و بحر»: مرااعت نظری دارند.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: «یوسف و زلیخا»: مرااعت نظری / اشاره به داستان حضرت یوسف (ع): تلمیح / «یوسف صفت»: تشییه



(مفهوم اضافی)

»دامان فلک« ترکیب اضافی (اضافه استعاری) و تشخیص است.

تشریف گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱»: «پایه نظم» ترکیب اضافی و اضافه استعاری غیرتشخیص است.

گزینه ۲»: «غنجه خندان» ترکیب وصفی و تشخیص است. گل خندان، استعاره مصرحه از معشوق است.

گزینه ۳»: «خوان وصل» اضافه شبیهی و «دست ارادت» اضافه اقترانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۶)

۷۵- گزینه ۴

»دامان اضافی (اضافه استعاری) و تشخیص است.

تشریف گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱»: «پایه نظم» ترکیب اضافی و اضافه استعاری غیرتشخیص است.

گزینه ۲»: «غنجه خندان» ترکیب وصفی و تشخیص است. گل خندان، استعاره مصرحه از معشوق است.

گزینه ۳»: «خوان وصل» اضافه شبیهی و «دست ارادت» اضافه اقترانی است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۶)

(سیدعلیرضا احمدی)

در گزینه ۳» همه ترکیب‌ها، ترکیب اضافه شبیهی هستند.

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: چشم امید: اضافه اقترانی است و باقی ترکیب‌ها اضافه شبیهی می‌باشند.

گزینه ۲»: بال‌های باد: اضافه استعاری است و باقی ترکیب‌ها اضافه شبیهی می‌باشند.

گزینه ۴»: دیده منت: اضافه اقترانی است و باقی ترکیب‌ها اضافه شبیهی می‌باشند.

تکنیک مضموم درسی:

اضافه اقترانی، ترکیب اضافی است که در اغلب موارد، مضاف عضوی از بدن است و مضاف‌الیه یک مفهوم ذهنی است. برای تشخیص اضافه اقترانی دو روش وجود دارد. اولی اینکه میان مضاف و مضاف‌الیه آن عبارت «به نشانه» اضافه کرد و دیگری این که اضافه اقترانی بر عکس اضافه استعاری، عینیت دارد و توهیمی نیست. مثل «دستِ ادب» که دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، ترکیبی)

۷۶- گزینه ۳

در گزینه ۳» «در رنجش» استعاره مکنیه از نوع غیرتشخیص است.

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: «دل چاک قلم»: تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

گزینه ۳»: «خون شاقیق»: اضافه استعاری و دارای تشخیص است.

گزینه ۴»: «بازگویی مجرای چشم شاعر به مردم توسط سرشک»: استعاره و تشخیص است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۶)

(سیدعلیرضا احمدی)

در گزینه ۲» «در رنجش» استعاره مکنیه از نوع غیرتشخیص است.

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: «دل چاک قلم»: تشخیص و استعاره مکنیه می‌باشد.

گزینه ۳»: «خون شاقیق»: اضافه استعاری و دارای تشخیص است.

گزینه ۴»: «بازگویی مجرای چشم شاعر به مردم توسط سرشک»: استعاره و تشخیص است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه ۷۶)

۷۸- گزینه ۲

(سیدعلیرضا احمدی)

»نامحرم بودن زیان« در بیت «الف» و «جنگ دل و عقل» در بیت «هـ»

تشخیص است.

توجہ:

خطاب قرار دادن «سررو» در بیت «ج» و «صنم» در بیت «د» تشخیص ندارد؛ چرا که هر دو استعاره مصرحه از یار هستند و طبیعتاً خطاب قرار دادن یار، فاقد تشخیص است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

(یاسین مهریان)

این بیت، در وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» سروده شده است که

علاوه بر وزن واژه «فاعلاتن»، دارای وزن واژه «فاعلن» نیز می‌باشد.

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: وزن بیت، «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است که فقط وزن واژه «فاعلاتن» در آن به کار رفته است.

گزینه ۳» وزن بیت، «فعولن فعولن فعولن فعولن» است که تنها وزن واژه «فعولن» در وزن بیت وجود دارد.

گزینه ۴» وزن بیت، «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است که فقط وزن واژه «مستفعلن» در آن به کار رفته است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۶)

(کلکتور سراسری ۹۱، با تغییر)

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»: توصیه به راستی و صداقت و نکوهش دوروبی و ریا و آوردن تمثیل‌هایی مانند صحبت نخستین

(اوایل صحیح - هوای گرگ و میش) برای پرورش این مفهوم مفهوم بیت گزینه «۳»: ستایش نیرومندی و نکوهش تبلی و سستی

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۷)

۶۹- گزینه ۳

مفهوم مشترک ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴»: توصیه به راستی و صداقت و نکوهش دوروبی و ریا و آوردن تمثیل‌هایی مانند صحبت نخستین

(اوایل صحیح - هوای گرگ و میش) برای پرورش این مفهوم مفهوم بیت گزینه «۳»: ستایش نیرومندی و نکوهش تبلی و سستی

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۷)

(کلکتور فارج از کشور ۹۱)

در بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۲»، شاعر به کسی که از کاروان همراهان بازمانده است، هشدار می‌دهد که در غفلت نماند و خود را به آن‌ها برسانند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۶)

۷۰- گزینه ۲

در بیت صورت سؤال و بیت گزینه «۲»، شاعر به کسی که از کاروان همراهان بازمانده است، هشدار می‌دهد که در غفلت نماند و خود را به آن‌ها برسانند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحه ۳۶)

علوم و فنون ادبی (۲)

(یاسین مهریان)

»بیدل دهلوی« را به سبب سروdon غزل‌های خیال انگیز و به کاربردن مضمون‌های بدیع و گاک دور از ذهن می‌شناسیم.

الف: سبک شعر «وحشی بافقی» حدوات سبک دوره عراقی و دوره بعد، یعنی سبک هندی است.

ب: برخی از تکبیت‌های غزل «صائب»، شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آن‌ها، به صورت ضرب المثل رواج یافته‌اند.

ج: ضرب المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن «کلیم» را بر جسته ساخته است.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۷۲- گزینه ۳

اصفهان به عنوان پایتخت ادبی و محل اجتماع شعراء و فضلا در دوره سبک هندی (هم‌زمان با رشد و پیشرفت ادبیات در هند) به شمار می‌رفت.

(علوم و فنون ادبی (۲)، تاریخ ادبیات، صفحه ۵۹)

(کتاب آبی)

شعراًن این دوره (از جمله مکتب وقوع) تشخیص داده بودند که در شعر باید به سمت واقع گویی و حقیقت‌گویی گام بردازند. نمود این واقع گرایی در عشق، گلایه و تندی با معشوق است که در گزینه «۲» دیده می‌شود.

(علوم و فنون ادبی (۲)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۷۳- گزینه ۲

بیت فاقد استعاره است. («پای گریز» و «دست دعا»: اضافه اقترانی)

تشریف گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱»: «طاووس آتشین‌پر»: استعاره از خورشید

گزینه ۲»: «آتشین‌سیما بودن خس»: تشخیص و استعاره

گزینه ۴»: «طلوغ باده»: اضافه استعاری (باده به آفتابی تشبيه شده است که طلوغ دارد).

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۶ تا ۷۷)

۷۴- گزینه ۳

(محتوى فرهادی)

بیت فاقد استعاره است. («پای گریز» و «دست دعا»: اضافه اقترانی)

تشریف گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱»: «طاووس آتشین‌پر»: استعاره از خورشید

گزینه ۲»: «آتشین‌سیما بودن خس»: تشخیص و استعاره

گزینه ۴»: «طلوغ باده»: اضافه استعاری (باده به آفتابی تشبيه شده است که طلوغ دارد).

(علوم و فنون ادبی (۲)، بیان، صفحه‌های ۷۶ تا ۷۷)



گرام (کاظمی)

(الف) موازن: تقابل کلمات هم وزن در دو مصراع / تشبيه: مخاطب (ممدوح) شاعر در سخاوت به حاتم و در شجاعت به رستم تشبيه شده است.
 (د) موازن: تقابل کلمات هم وزن در دو مصراع / تشبيه: نسیم رضا و سوم خلاف (اضافه تشبيهی)
تشریف سایر ایات:

(ب) تشبيه: ندارد. / موازن: مقابله هم قرار گرفتن کلمات هم وزن
 (ج) تشبيه: ندارد. / موازن: مقابله هم قرار گرفتن کلمات هم وزن
 (ه) تشبيه: قامت به سرو و رخ به ماه / موازن: ندارد.
 (علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و برع، ترکیبی)

(مبتدی فرهادی)

تقطیع هجایی موارد «الف، ج و ه» مطابق با الگوی هجایی صورت سؤال است.

تشریف گزینه‌های دیگر:

«ب»: -- -U-- / -U-- / -U--
 «د»: --U- / U-- / --U- / U--
 «-»: (-U / -U- / -U / -U--)

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

(سهر غلام پور)

گزینه «۳» بر وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» می‌باشد.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مفععلن فعلن فعلن فعلن فعلن

گزینه «۲»: مفععلن مفععلن مفععلن مفععلن

گزینه «۴»: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

(سید علیرضا علویان)

تعداد هجایی کوتاه در گزینه «۱» پنج تا، در گزینه «۲» چهار تا، در گزینه «۳» سه تا و در گزینه «۴» چهار تاست.
تقطیع مصراع‌ها:

گزینه «۱»: (رو ز م را / مه ر ت رو / شن ک ند)

گزینه «۲»: (ش بی بی / ت هر گر ان گی زد ا ق رار)

گزینه «۳»: (سن گر ب سن / گر ذر د رو / نم جن گ کش / تا رس ت)

گزینه «۴»: (هر ج را بی / هو د پن دا / ری ن صی بت / می ش و د)

(علوم و فنون ادبی (۱)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۶۷ تا ۷۰)

(کنکور سراسری ۹۵)

مفهوم مشترک ایات، مناعت طبع و تأکید بر فدا نکردن ارزش‌های انسانی به پای صاحبان قدرت و افراد نااهل و بی ارزش است.
 در بیت گزینه «۲»، بر این موضوع تأکید شده است که وقتی چیز بالارزش وجود دارد، کسی به دنبال امر بیهوده و بی ارزش نمی‌رود.
 (علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، ترکیبی)

(کتاب آبی)

بیت چهارم در مفهوم ترک خود و یافتن حیات جاویدان سروده شده که مفهومی کاملاً ذهنی و انتزاعی است.

تشریف گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: توصیف گل‌های زنگارنگ

گزینه «۲»: توصیف مجلس بزم و شراب‌نوشی

گزینه «۳»: توصیف عشق زمینی

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه ۶۳)

گزینه «۱»

(سید علیرضا علویان)

وزن این بیت «فولون فولون فولون فولون» است، در حالی که سایر ایات یک هجا کمتر دارند و در وزن «فولون فولون فولون فولن» سروده شده‌اند.
 (علوم و فنون ادبی (۲)، موسیقی شعر، صفحه ۶۴)

گزینه «۳»

(ب) تشبيه: ندارد. / موازن: مقابله هم قرار گرفتن کلمات هم وزن
 (ج) تشبيه: ندارد. / موازن: مقابله هم قرار گرفتن کلمات هم وزن
 (ه) تشبيه: قامت به سرو و رخ به ماه / موازن: ندارد.
 (علوم و فنون ادبی (۱)، بیان و برع، ترکیبی)

علوم و فنون ادبی (۱)

گزینه «۱»

(مبتدی فرهادی)
 (الف) طبق نظریه ارسطو نام‌گذاری سبک تعلیمی براساس هدف بوده است و سبک فلسفی نیز براساس قلمرو دانشی نام‌گذاری شده است.

(ب) تقسیم‌بندی شعر فارسی توسط بهار، بر مبنای حوزه جغرافیایی و تاریخی صورت گرفته است.

(ج) چهارمین دوره نثر فارسی در تقسیم‌بندی بهار، دوره سبک عراقی است.
 (علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

گزینه «۲»

در بیت «ب» «توصیف بهار، زبان ساده و استفاده از شکل تاریخی فعل «بمگذر» نشان از سبک خراسانی دارند. در بیت «ج» لحن حماسی و زبان ساده و روان و در بیت «د» نیز استفاده از لغت کهن (مهتران) و سادگی زبان از ویژگی‌های سبک خراسانی‌اند.

تشریف دیگر ایات:

(الف) این بیت شامل مفاهیم عرفانی است که در سبک خراسانی هنوز باب نشده بودند.

(ه) تعدد لغات عربی در این بیت، باعث می‌شود ویژگی‌های زبانی بیت با سبک خراسانی فاصله داشته باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

گزینه «۲»

در این گزینه آرایه ترصیع وجود دارد؛ چون واژه‌ها در این بیت یک به یک سجع متوازی دارند؛ یعنی علاوه بر وزن، حروف پایانی یکسانی دارند؛ اما سایر گزینه‌ها دارای آرایه موازن می‌باشد و واژه‌ها دارای سجع متوازی و متوازن می‌باشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: دل - جان / امید - هوا / روی / همدم - خدمت / جان - تن / نمی‌شود - نمی‌کند

گزینه «۳»: از - وز / رنج - درد / تمام - بلند / نیارم - نهاد - کشید / پای - وا

گزینه «۴»: ما / ز - ز / دریاییم - بالاییم / دریا - بالا / می‌رویم - می‌رویم

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لفظی، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

گزینه «۴»

همه سجع‌های پدیدآورنده دو مصراع از نوع «متوازی» است:
 اشارتی است ز بزمش سخاوت حاتم

↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓ ↓

روایتی است ز رزمش شجاعت رستم

ایات سایر گزینه‌ها دارای «موازن» هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، برع لفظی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۶)



(آریتا بیدقی)

۹۵- گزینه «۲»
آشنایی‌زدایی یعنی از دید یک فرد غریبه به موضوعات مأнос شده نگاه کردن و در کنار بی‌نظمی، نظم را شناختن.

نظم اجتماعی توقعات و انتظارات ما از دیگران را مشخص می‌کند.
ساختار اجتماعی قواعد زندگی اجتماعی را با هم هماهنگ می‌کند.

جامعه‌شناسان در شناختن نظم اجتماعی به این پرسش‌ها توجه می‌کنند:
قواعد و هنجارهای با هم زندگی کردن چگونه به وجود می‌آیند؟ چگونه دوام می‌آورند؟ چگونه تغییر می‌کنند؟

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۰ تا ۲۳)

(آریتا بیدقی)

۹۶- گزینه «۳»

نوع هدف جامعه‌شناسی تبیینی ← همانند هدف علوم طبیعی
اشتراک کلت و لمبروزو ← روش تبیینی

نوع تفاوت میان جوامع از دیدگاه تبیینی ← تفاوت کمی
ساختار اجتماعی پویا ← نظام اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۴ و ۲۶ تا ۲۹)

(آریتا بیدقی)

۹۷- گزینه «۱»

قواعد اجتماعی (علت) ← نظم اجتماعی (پیامد)
پیامن دانستن طبیعت و جامعه (علت) ← انسان به پیج و مهره‌های نظام اجتماعی تقلیل می‌یابد. (پیامد)

تأمین نیازهای نظام اجتماعی (علت) ← حفظ بلندمدت نظام اجتماعی (پیامد)

نزدیک شدن جامعه‌شناسی به علوم طبیعی (علت) ← جامعه‌شناسی در زمرة دانش‌های ابزاری قرار می‌گیرد. (پیامد)

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۴ و ۲۹)

(کتاب آمی)

۹۸- گزینه «۴»

تشرییم عبارت نادرست:

افراد دارای قدرت تغییر ساختارهای موجود و حذف آن‌ها هستند.
(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۳ و ۳۵)

(فاطمه صفری)

۹۹- گزینه «۱»

اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید مصطفی چمران به کار برد و روش‌های ویژه‌ای برای آن ابداع کرد. مقاومت مردم مسلمان امرلی در برابر داعش، نمونه‌ای بارز از جنگ‌های نامنظم است. در جنگ‌های نامنظم افراد از نظم موجود پیروی نمی‌کنند بلکه از آن فراتر می‌روند و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورند. سربازان جنگ‌های نامنظم به سبب انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنویشان، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند. جنگ‌های نامنظم مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی یک منطقه است که قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. سربازان جنگ‌های نامنظم معمولاً نقشه‌های از پیش برنامه‌ریزی شده را اجرا نمی‌کنند، بلکه متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود عمل می‌کنند.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

جامعه‌شناسی (۳)

۹۱- گزینه «۴»

کشف نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیز ← هنر آشنایی‌زدایی
قابل مشاهده بودن و امکان مطالعه با روش‌های کمی و آماری ← پدیده‌های هم‌تغییر

توضیح دادن جامعه و نظم اجتماعی براساس مناسبات بیرونی ←
جامعه‌شناسی تبیینی
برداشت روزگارون از منابع تجدیدناپذیر ← تغییر در محیط توسط نظام اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱ و ۲۵)

۹۲- گزینه «۲»

پیامد یکسان‌انگاری طبیعت و جامعه بر جهان اجتماعی ← اداره جامعه با قوانینی به استحکام قوانین طبیعت
ساختار اجتماعی ← در گروه‌های رسمی بهتر می‌توان دید.

نظم اجتماعی ← اتفاقات غیرمنتظره شما را از همکاری با دیگران باز نمی‌دارد.
برجسته ساخته شاهتهای جامعه و پدیده‌های اجتماعی ← موقفيت‌های دانشمندان علوم طبیعی

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۳، ۲۷ و ۲۹)

۹۳- گزینه «۱»

عدم توان تغییر بنیادین در جامعه (پیامد) ← تلقی جامعه به عنوان واقعیتی بیرونی (علت)

تفصیل پیش‌بینی رفتارها با تطمیع، تهدید و اجبار (پیامد) ← برقراری نظم مستقل از انسان‌ها (علت)

عادت به نظم اجتماعی (علت) ← پژوهشی که بیماران خود را در مطب منتظر می‌گذارد، بیشتر دیده می‌شود. (پیامد)

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۳ و ۲۹)

۹۴- گزینه «۴»

هرچه همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، انحرافات کمتری به وجود می‌آید.
← تبیین

پدیده‌های اجتماعی همانند پدیده‌های طبیعی هستند. ← موضوع جامعه‌شناسی تبیینی

افراد در زندگی روزمره از دید خود به مسائل نگاه می‌کنند ولی جامعه‌شناس تلاش می‌کند به اعمق موقعیت اجتماعی نگاه کند. ← آشنایی‌زدایی

قواعد راه رفتن و رعایت آن‌ها ← نظم‌های پنهان زندگی
(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحه‌های ۲۱، ۲۳ و ۲۵)



(فاطمه صفری)

۱۰۶ - گزینه «۴»**بررسی گزینه‌ها:**

گزینه «۱»: درست - درست

گزینه «۲»: نادرست (هرچه قدرت اقایع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند). - نادرست (شیوه غیررسمی تشویق و تنبیه که بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود، آثار و نتایج عمیق‌تری نسبت به شیوه رسمی تشویق و تنبیه دارد).

گزینه «۳»: نادرست (شیوه غیررسمی تشویق و تنبیه بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود). - درست (گزینه «۴»: درست - نادرست (امر به معروف و نهی از منکر در مواردی، همگانی و به‌عهده همه افراد جامعه است و در برخی موارد، وظيفة سازمان‌های رسمی و حکومتی است).

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۹ و ۸۰)

(کتاب آبی)

همه ما به عنوان افراد انسانی، از آن‌جا که عضوی از جامعه هستیم، توان حفظ وضع موجود یا تغییر آن را به واسطه کنش‌های خود داریم.

(جامعه‌شناسی (۳)، کنش اجتماعی، صفحه ۳۵)

۱۰۰ - گزینه «۳»

همه ما به عنوان افراد انسانی، از آن‌جا که عضوی از جامعه هستیم، توان حفظ وضع موجود یا تغییر آن را به واسطه کنش‌های خود داریم.

جامعه‌شناسی (۱)**۱۰۱ - گزینه «۴»**

(الف) تأثیر جهان نفسانی بر جهان اجتماعی ← یک انسان باتقوا جهانی را تغییر می‌دهد.

(ب) تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی ← در شرایط اقلیمی متفاوت شیوه زندگی اجتماعی مردم متفاوت است.

(ج) تأثیر جهان نفسانی بر جهان طبیعی ← برخی از بیماری‌های جسمانی با کمک قوای روانی درمان می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۱)

۱۰۲ - گزینه «۱»

جهان متعدد به تناسب هویت دنیوی خود با آن دسته از ویژگی‌های روانی و اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۶۹ تا ۷۳)

۱۰۳ - گزینه «۲»

بعضی ویژگی‌هایی هستند که در بدست آوردن آن‌ها نقشی نداریم، اما می‌توانیم با تلاش و کوشش خود آن‌ها را تغییر دهیم مانند منزلتی که از طریق خانواده‌مان به دست می‌آوریم و با کنش‌هایمان آن را تغییر می‌دهیم.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۴)

۱۰۴ - گزینه «۳»

جوان ← انتسابی و متغیر
بچه شاه عبدالعظیم ← انتسابی و ثابت
کشاورز وقت‌شناس ← اکتسابی و متغیر
معلم ← متغیر و اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

۱۰۵ - گزینه «۴»

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنیال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند. برگاری جشن تکلیف نمونه‌ای از جامعه‌پذیری در جامعه ایران برای شکل‌گیری هویت اسلامی افراد است.

فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اوّلین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند.

هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد؛ بازنویش با مشکل مواجه می‌شود و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۶، ۷۸ و ۷۹)

(فاطمه صفری)

۱۰۷ - گزینه «۱»

جهان اجتماعی پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد.

انتظارات جامعه از طریق الگوهای عمل یا همان هنجارها در حقوق و تکالیف مربوط به نقش‌های اجتماعی نمودار می‌شوند.
با تولید هویت اجتماعی از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی انجام می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۹، ۷۶ و ۸۱)

(ریحانه امینی)

۱۰۸ - گزینه «۳»

- تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود.

- در همه کشورها رده‌بندی مشاغل وجود دارد ولی رده‌بندی در کشورهای مختلف یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها از اهمیت بیشتری برخوردارند و بالعکس. باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آن‌ها نیست؛ بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقویت، احترام و ... نیز بستگی دارد.

- در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت.

- هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرک‌های اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵ و ۸۷)



(ریحانه امینی)

۱۱۵- گزینه «۴»
تشریف موارد تادرست:

چالش‌های جدید در بسیاری از موارد چندین صورت دارند؛ مثلاً برخی از آن‌ها در عین حال که اقتصادی یا اجتماعی‌اند، می‌توانند خرد یا کلان، مقطوعی یا مستمر و ... نیز باشند.

- چالش بلوک شرق و غرب از نوع چالش‌هایی بود که درون یک فرهنگ و تمدن پدید می‌آید، نه از نوع چالش‌هایی که بین فرهنگ‌های مختلف، شکل می‌گیرد.

- اقتصاد قرون وسطی براساس روابط اجتماعی اریاب- رعیتی بود که در آن کشاورزان وابسته به زمین بودند و امکان جایه‌جاتی نداشتند.

- دو قطب شرق و غرب با اینکه از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی در دو بخش متمایز جدا قرار می‌گرفتند، اما به فرهنگ واحدی تعلق داشتند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه‌های ۷۹ تا ۸۱ و ۸۳)

(ارغوان عبدالملکی)

۱۱۶- گزینه «۳»

طرف‌های درگیر دو جنگ، در قالب ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی، لیبرالیستی و سوسیالیستی رفتار خود را توجیه می‌کردند و زمینه‌های فرهنگی این دو جنگ نیز ریشه در فرهنگ غرب داشت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه ۸۵)

(کتاب آبی)

۱۱۷- گزینه «۲»

نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون، نظریه‌ای بود که عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در مقابل مقاومت‌های کشورهای غیرغربی توجیه می‌کرد.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه ۸۶)

(ارغوان عبدالملکی)

۱۱۸- گزینه «۱»

دو اصطلاح استعمارگر و استعمارزده را نسبت به کشورهای غنی و فقیر، کسانی به کار می‌برند که چالش و نزاع بین این دو دسته کشور را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند و به ابعاد فرهنگی آن نیز نظر دارند. از نظر این گروه، مشکل کشورهای فقیر تنها ضعف اقتصادی و صنعتی آن‌ها نیست؛ بلکه خودباختگی فرهنگی و الگوپذیری مقلدانه آن‌ها از کشورهای صنعتی است.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه ۸۹)

(ارغوان عبدالملکی)

۱۱۹- گزینه «۱»

کشورهای غربی، به ترتیب، چالش‌های درونی خود را از طریق بهره‌کشی اقتصادی از کشورهای غیرغربی حل می‌کنند و بحران‌های اقتصادی، جنگ‌ها و جبهه‌بندی‌های درونی خود را با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی، مدیریت می‌کنند و از این طریق، انتقال ثروت از کشورهای پیرامون به مرکز را آسان می‌سازند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه‌های ۱۱ و ۱۹)

(ارغوان عبدالملکی)

۱۲۰- گزینه «۱»

چالش اصلی بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای غنی و فقیر بود و اصلاحاتی نظیر کشورهای عقب‌مانده به این نکته اشاره دارد که کشورهای توسعه‌یافته الگوی کشورهای دیگرند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه ۸۸)

(ریحانه امینی)

۱۰۹- گزینه «۴»
تشریف موارد تادرست:

- علل بیرونی تعارض فرهنگی به تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر بازمی‌گردد.

- کارمندی که از یک بخش به بخش دیگر اداره منتقل می‌شود، تحرک اجتماعی افقی دارد.

- تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل (یک فرد در طول زندگی خودش) و گاه در دو نسل (یک فرد نسبت به والدینش) اتفاق می‌افتد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۲ تا ۸۴ و ۸۷)

(لنکور سراسری ۱۴۰۰)

۱۱۰- گزینه «۱»

در جوامع فنودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین پستگی داشت. برخی اریاب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشرف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکردی‌ای که داشت، تحمل می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۵)

جامعه‌شناسی (۲)**۱۱۱- گزینه «۴»**

لیبرالیسم اولیه با تکیه بر شعار آزادی و به ویژه آزادی اقتصادی، راه استثمار را برای صاحبان ثروت باز کرد و عدالت را نادیده گرفت. بداین ترتیب، نخستین چالش که چالش فقر و غناست، در کشورهای غربی شکل گرفت. مارکس در نیمه دوم قرن نوزدهم، لیبرالیسم اقتصادی را نقد کرد. از نظر او، حل چالش‌های جامعه سرمایه‌داری، فقط با یک انقلاب قبل حل بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۹)

۱۱۲- گزینه «۱»

لیبرالیسم اولیه، بیشتر رویکردی فردی و اقتصادی داشت و به حمایت و دستگیری از فقرا قائل نبود و روابط اجتماعی اریاب- رعیتی را در هم ریخت. از نظر مالتوس، کسانی که در فقر متولد می‌شوند، حق حیات ندارند. با این‌که مارکس و مارکسیست‌ها طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانستند و به آن انتقاد داشتند، در کشورهای سوسیالیستی طبقه جدیدی براساس قدرت سامان یافت.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۷)

۱۱۳- گزینه «۴»
تشریف موارد تادرست:

لیبرالیسم قرن‌های هجدهم و نوزدهم را لیبرالیسم اولیه می‌نامند.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۹)

۱۱۴- گزینه «۳»**تشریف موارد تادرست:**

بلوک شرق شامل کشورهای اروپای شرقی، شوروی سابق و چین و بلوک غرب شامل کشورهای اروپای غربی و آمریکا بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، پالش‌های جوانی، صفحه‌های ۷۶ و ۷۹)



(ارغوان عبدالمکی)

۱۲۷- گزینه «۴»

فرصت‌هایی که افراد در جهان‌های مختلف برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های اجتماعی جدید دارند، یکسان نیست و هر جامعه به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد، برخی تغییرات هویتی و تحرکات اجتماعی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌نماید. جهانی که بر مدار ارزش‌های دنیوی و این جهانی شکل می‌گیرد، تحرکات اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به‌رسمیت می‌شناسد.

تصحیح موارد نادرست:

گزینه «۱»: جامعه‌ای که براساس ارزش نژادی شکل گرفته، فقط برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌کند.
گزینه «۲»: در جوامع سکولار، هویت دینی افراد نمی‌تواند بروز اجتماعی داشته باشد.

گزینه «۳»: در جهان معنوی هویت‌هایی که ابعاد معنوی و متعالی را نفی می‌کنند، به‌رسمیت شناخته نمی‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۵ و ۸۶)

(کتاب آبی)

۱۲۸- گزینه «۴»

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطه آن‌ها با زمین بستگی داشت. برخی ارباب و گروهی رعیت بودند. در این جوامع، طبقه‌ای از مردم عادی هم وجود داشت که نه اشراف بود نه رعیت. به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شد. این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبود؛ ولی به علت فواید و کارکرد هایی که داشت، تحمل می‌شد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۵)

(ارغوان عبدالمکی)

۱۲۹- گزینه «۳»

شخصی که شغل خود را تغییر می‌دهد، در صورتی که شغل جدید موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد. کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر انتقال پیدا می‌کند، تحرک اجتماعی افقی پیدا کرده است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۳)

(ارغوان عبدالمکی)

۱۳۰- گزینه «۲»

اگر تغییرات هویتی در خارج از مرزهای مقبول جهان اجتماعی واقع شود و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌های اجتماعی در تقابل هستند به‌دبیل بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به‌دبیل دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۷)

(ریحانه امینی)

جامعه‌شناسی (۱)

۱۲۱- گزینه «۳»

دانش‌آموز بودن: اکتسابی، اجتماعی، متغیر راستگویی: اکتسابی، فردی، متغیر ایرانی بودن: انتسابی، اجتماعی، ثابت کارمند بودن: اکتسابی، اجتماعی، متغیر

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۴)

۱۲۲- گزینه «۳»

(الف) بسیاری از بیماران سلطانی با مراجعه به روان‌شناس، امید خود را برای شکست بیماری بدست می‌آورند: تأثیر جهان نفسانی بر جهان جسمانی
(ب) در نواحی گرسنگی هوا، موجب استفاده مدام مردم از کولرها می‌شود: تأثیر جهان طبیعی بر جهان اجتماعی
(ج) در بسیاری از موارد فشارهای روانی، تأثیراتی چون درد معده را به دنبال دارند: تأثیر جهان نفسانی بر جهان جسمانی
(د) جهان سکولار مانع بروز روحیات معنوی افراد می‌شود: تأثیر جهان اجتماعی بر جهان نفسانی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۶۱)

۱۲۳- گزینه «۲»

تشویق و تنبیه به دو صورت رسمی و غیررسمی انجام می‌شود.
جامعه‌پذیری مسیری است که برای تدوین و شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۶ و ۷۹)

(ارغوان عبدالمکی)

۱۲۴- گزینه «۴»

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار خطأ و اشتباه می‌شویم. وجود نظریات متفاوتی که درباره هویت افراد داده می‌شود، نشانه این است که امکان خطأ و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

(کتاب آبی)

۱۲۵- گزینه «۳»

فرهنگ‌هایی از قدرت اقتصادی بیشتری برخوردارند که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارتر هستند.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۷۹)

(کتاب آبی)

۱۲۶- گزینه «۳»

در بخش «الف»، تحرک اجتماعی صعودی داریم؛ زیرا موقعیت شغلی فرد، ارتقا یافته است.
در بخش «ب»، تحرک اجتماعی افقی بیان شده است؛ زیرا تفاوتی در موقعیت اجتماعی یک لباسفروش و یک فروشنده لواز خانگی وجود ندارد.
در بخش «ج»، تحرک اجتماعی نزولی اتفاق افتاده است؛ زیرا از اداره آموزش و پرورش یک استان به اداره آموزش و پرورش یک شهر رسیده است.

در بخش «د»، تحرک اجتماعی افقی وجود دارد؛ زیرا تفاوتی در جایگاه اجتماعی یک معلم جامعه‌شناسی و یک معلم فلسفه و منطق وجود ندارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه ۸۳)



(سیده مهیا مؤمنی)

۱۳۷- گزینه «۳»
تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «ینفرز» فعل مضارع مجهول به معنی «ترشح می‌شود» است.
 گزینه «۲»: «أعمالک صالحۃ»، با توجه به نکره بودن «صالحة»، ترکیب وصفی نیست، بلکه یک جمله اسامی شامل مبتدا و خبر است و به صورت «کارهایت شایسته است» ترجمه می‌شود.
 گزینه «۴»: در جمله «ثُرَيْتِ الْطَّبِيعَةَ»، فعل «ثُرَيْتِ» مجهول است و «الطبعیة» نیز نائب فاعل آن و مرفوع است، بنابراین ترجمه صحیح آن به صورت «طبیعت آراسته می‌شود» است.

(ترجمه)

(علی محسن زاده)

۱۳۸- گزینه «۲»

«می تواند»: تَسْتَطِعُ (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «بدون حرکت دادن»: دون تحریک (رد گزینه ۳) / «جهت‌های مختلفی»: اتجاهاتٍ مُخْتَلِفةٍ (رد گزینه ۴) / «چشمانش را ... بچرخاند»: تُدْيِيرَ عَيْنِيهَا (عینیهای = عینین + ها) (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

(ترجمه)

(ولی برجهی - ابره)

۱۳۹- گزینه «۳»

با توجه به معنا و مفهوم عبارت صورت سؤال (آیا سرزای نیکی، جز نیکی است = سرزای نیکی فقط نیکی است)، بیت گزینه «۳» که درباره نیکی و احسان متقابل صحبت می‌کند، مفهوم مناسبی دارد.

(مفهوم)

(مرتفقی کاظم شیرودی)

۱۴۰- گزینه «۲»

«خب.....» نادرست است. «صغری» صفت برای موصوف «جرم» است. توجه داشته باشید که اعراب صفت، همیشه تابع موصوف آن است.
 ضمیر «ک» در «آنک» اسم آن و «جسم» خبر حرف مشبهه بالفعل و مرفوع است.

(تملیل صرفی و اعراب)

(مرتفقی کاظم شیرودی)

۱۴۱- گزینه «۴»

کلمه «غیون» در اینجا مضافق‌الیه است نه صفت، و اعراب مضافق‌الیه جر است. (مضافق‌الیه مجرور است، یعنی دارای علامت —، بنَ یا ين است). همچنین توجه داشته باشید که «غیون» جمع مکسر است، «ون» جزئی از خود کلمه است و اعراب آن به حرکت است نه بالواه.

(تملیل صرفی و اعراب)

(مرتفقی کاظم شیرودی)

۱۴۲- گزینه «۱»

کلمه «الستایحین» در اینجا مفعول و منصوب بالیاء (ی) است.
 اعراب مفعول همواره منصوب است، یعنی دارای علامت (—، بنَ یا ين) است (بنَ در جمع مذکور سالم، بنَ در مثنی).

(تملیل صرفی و اعراب)

(رویشعلی ابراهیمی)

۱۴۳- گزینه «۲»

کلمه «صید» به صورت «صید» و کلمه «الكتابة» چون مبتداست، به صورت مرفوع (الكتابة) درست است.

(فیض مرکات)

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۳۱- گزینه «۲»
 «ضرب»: می‌زند (رد گزینه ۴) / «الأمثال»: مثل‌ها (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «الناس»: برای مردم / «علل»: شاید، امید است (رد گزینه ۳) / «بِتَذَكُّرُونَ»: یادآور شوند (رد گزینه ۱، «پندگیرنده» به صورت اسم فاعل ترجمه شده در حالی که فعل عبارت مضارع است).

(ترجمه)

۱۳۲- گزینه «۱»
 «نکون»: باشیم (رد گزینه ۳) / «نَقَادَ»: ناقدان (رد گزینه ۴؛ «از» اضافی است) / «لا تأخذ»: نمی‌گیریم (رد گزینه ۴؛ «نباید بگیریم» نادرست است؛ «لا تأخذ» فعل مضارع منفی است نه نهی) / «كل ما»: هر چه (رد گزینه ۲؛ «كل» ترجمه نشده است) / «تَسْمَعُ»: می‌شنویم (رد گزینه ۳) / «تَنْفَكِّرُ»: تفکر می‌کنیم (رد گزینه ۴؛ همراه «باید» و به صورت فعل امر ترجمه شده است). در گزینه «۲»، «حتی» و در گزینه «۴»، «بلکه» اضافی هستند.

(ترجمه)

۱۳۳- گزینه «۴»
 «ثقافة الشعب المتقدمة»: فرهنگ ملت‌های پیشرفت‌هه (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «يحسب»: فعل مضارع مجهول محسوب می‌شود، شمرده می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أن تجرب»: (فعل مضارع مجهول) تجربه شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «تجربة»: مفرد است (رد گزینه ۳).

(ترجمه)

۱۳۴- گزینه «۴»
 «اقترحوا للفلاحين»: به کشاورزان پیشنهاد دادند (رد گزینه ۱) / «لكى يحولوا»: تا تبدیل کنند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «سهول» (جمع «سهله»): دشت‌هایی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «صالحة للزراعة»: قابل کشت

(ترجمه)

۱۳۵- گزینه «۱»
 «تعاليم تاريخية»: آثار تاریخی‌ای (رد گزینه‌های ۳ و ۴؛ «معالم» مبتداست و در جای مناسب خود ترجمه نشده است). / «قد سجلت»: به ثبت رسانده است (رد گزینه ۲) / «قائمة التراث العالمي»: لیست میراث جهانی (رد گزینه ۳) / «تجذب»: جذب می‌کند (رد گزینه ۴؛ «تجذب» فعل معلوم است). / «سنوات»: سالانه، هر ساله (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ترجمه)

۱۳۶- گزینه «۲»
 تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در ترجمه کلمه تأکیدی «قطعاً» به کار رفته است در حالی که در عبارت عربی «إن» وجود ندارد و نباید «أن» (به معنی «که») را با آن اشتباہ گرفت.

گزینه «۳»: «يكما» به معنای (لال) است و «أحوال» نیز جمع است که به صورت مفرد ترجمه شده است.
 گزینه «۴»: «واصل» به معنای «ادامه داد» است و «طريق» نیز ترجمه نشده است. ترجمه دقیق عبارت چنین است: پس از اینکه برادر آلفرد کشته شد، او با پشتکار، کار خود را در راه هدفش ادامه داد!

(ترجمه)



(سید محمدعلی مرتضوی)

صورت سوال، حرف «لا» را می‌خواهد که از انجام کار نهی کند؛ یعنی باید دنبال «لا» نهی بگردید. در گزینهٔ ۴، «لا» بر سر فعل مضارع آمده و از نوع نهی است. (ترجمه: انسان در قضایت نسبت به برادران و خواهش نیاید شتاب کنند).

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: «لا» بر سر اسم (شعب) آمده و از نوع نفی جنس است. گزینهٔ ۲: «لا» بر سر فعل مضارع «استطیع» از نوع نفی است و فعل مضارع منفی می‌سازد. (لا استطیع: نمی‌توانم) گزینهٔ ۳: «لا» بر سر اسم (یأس) آمده و از نوع نفی جنس است. (قواعد فعل)

(ولی بری - ابره)

در جای خالی اول به صفت برای «الرجال» نیاز داریم، «الرجال» اسم آن و منصوب است، بنابراین صفت آن نیز در منصوب بودن از آن تبعیت می‌کند، پس گزینه‌های ۲ و ۳ نادرست هستند، چون «المحسنون» معروف با و او آمده است. در جای خالی دوم نیز به خبر برای حروف مشبه بالفعل (آن) نیاز داریم و خبر این حروف نیز معروف می‌شود و جمع مذکر سالم با و او معروف می‌شود، بنابراین گزینهٔ ۱ درست است.

ترجمه عبارت: «ای مرد، باید بدانی که مردان نیکوکار در میان ملتان، در هر حالی محظوظ هستند!»

(انواع بملات)

(بهروز هیربکی)

گزینهٔ ۱: «أَنْشَدَ» خبر «لا»‌ی نفی جنس و معروف است. گزینهٔ ۲: «أَجْعَلَ» خبر «كَانَ» (از افعال ناقصه) و منصوب است. گزینهٔ ۳: «غَيَّرَ» خبر «كَانَ» (از حروف مشتهره بالفعل) و معروف است. گزینهٔ ۴: «مَفَاتِحَ» خبر «إِنْ» (از حروف مشتهره بالفعل) و معروف است. (انواع بملات)

عربی زبان قرآن (۲)

(درویشعلی ابراهیمی)

«أنفقوا»: فعل امر) اتفاق کنید / «مما»: از آنچه (رد سایر گزینه‌ها) / «رزقناكم»: به شما روزی دادیم (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «أن يأتى»: باید، فرا رسد (رد گزینهٔ ۱) / «يوم»: روزی (رد گزینهٔ ۴) / «لا بيع فيه ولا خلّة»: نه خرید و فروشی در آن باشد و نه دوستی (رد گزینه‌های ۱ و ۲) (ترجمه)

(ولی بری - ابره)

«لَمَا إِنْضَمَّتْ»: هنگامی که پیوست (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «بِدَأَ يَزَدَادَ»: شروع به افزایش کرد، شروع کرد افزایش باید (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «المفردات الفارسية»: واژگان فارسی (رد گزینهٔ ۴) / «إِلَى الْغُلَةِ الْعَرَبِيَّةِ»: به زبان عربی (رد گزینهٔ ۴) (ترجمه)

(پیروز وفان)

در گزینهٔ ۳، «قرار بگیرد» نادرست است و باید به صورت «قرار بدهد» ترجمه شود. («المعلم» مفعول جمله است و به صورت منصوب ظاهر شده است). (ترجمه)

(گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

(علی محسن زاده)

دُم: از اعضای بدن حیوانات است و مکان آن در پشت بدنشان می‌باشد!

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: «داروخانه»: کسی است که داروها را برای درمان بیماران می‌فروشد!

گزینهٔ ۳: روستا: منطقه‌ای است که در آن بسیاری از مردم زندگی می‌کنند و بسیار پنهانور است!

گزینهٔ ۴: سردرد: درد شدیدی که در اعضای مختلف بدن یافت می‌شود! (واژگان)

(سیده مهیا مؤمنی)

در این گزینه، «فی بداية» جار و مجرور است و بعد از آن «تشرقنا» که فعل است آمده، پس این جمله یک جمله فعلیه می‌باشد.

ترجمه: «در ابتدای سفر همگی به زیارت عتبات مقدس مشرف شدیم!»

پرسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: «أفضل» در این گزینه اسم تفضیل است و نقشش نیز «مبتدا» می‌باشد. ترجمه: «برترین کار برای کسب نمره‌ای مناسب در امتحانات همان مطالعه کردن است!»

گزینهٔ ۲: «تعاون» در این گزینه مصدر و اسم است و نقشش نیز «مبتدا» می‌باشد. ترجمه: «همکاری دانش‌آموzan در مدرسه از مهم‌ترین موضوعات پرورشی می‌باشد!»

گزینهٔ ۴: «لکم» در این جمله جار و مجرور و خبر مقدم است، «معلومات» نیز مبتدای مؤخر می‌باشد. (مبتدای است که بعد از خبر ذکر شده است). ترجمه: «شما اطلاعات زیادی درباره شعرهای عربی و شاعران آن‌ها دارید!» (انواع بملات)

(مدتیپی کاظم شیرودی)

خبر می‌تواند به صورت اسم، فعل و یا جار و مجرور بیاید. در گزینهٔ ۴، «السان» مبتدا و «ملوء» خبر است که به صورت اسم آمده است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ ۱: در این جمله مبتدا و خبر وجود ندارد زیرا جمله اسمیه نیست. گزینهٔ ۲: «الإِنْسَانُ» مبتدا و «يَكْذِبُ» خبر است که به صورت فعل آمده است.

گزینهٔ ۳: «أَكْبَرُ» مبتدا و «فِي الْمَدْحُ» خبر است که به صورت جار و مجرور آمده است.

(انواع بملات)

(بهروز هیربکی)

گزینهٔ ۱: «الجميله» صفت «أشعار» («أشعار» مبتدا و معروف می‌باشد) و به تبعیت از آن، معروف است.

گزینهٔ ۲: «منطقة» خبر و معروف و «برية» صفت‌ش و به تبعیت از آن، معروف است.

گزینهٔ ۳: «الشارع» مضادیه و مجرور و «الأول» هم به عنوان صفت‌ش به تبعیت از آن، مجرور است.

گزینهٔ ۴: «نوع» فاعل «يقرب» و معروف و «عجب» صفت‌ش و به تبعیت از آن، معروف است.

(قواعد اسم)



۱۶۰- گزینه «۲» (درویشعلی ابراهیمی)
 جمله فعلی «ضعفها» بعد از اسم نکره «قطعة» قرار گرفته و آن را توصیف کرده است. (ترجمه: ملحوظه قطعه پارچه‌ای است که آن را روی تخت قرار می‌دهیم)
تشریف سایر گزینه‌ها: در گزینه «۱» کلمه «متعدد» صفت است ولی جمله نیست، در گزینه «۳»، «نُقلَتْ» جمله و صفتی نیست، زیرا اسم نکره قبل از خود را توصیف نمی‌کند. در گزینه «۴» نیز جمله «کان کثیر المعاصی» خبر است نه صفت.
 (انواع بملات)

عربی زبان قرآن (۱)

۱۶۱- گزینه «۴» (علی محسن زاده)
 «فَلَّ»: بگو (رد گزینه ۲) / «سِيِّروا»: سیر کنید، حرکت کنید، بگردید (رد گزینه ۲) / «فِي الْأَرْضِ»: در زمین (رد گزینه ۱) / «أَنْظُرُوا»: بنگردید، ببینید (رد گزینه ۲) / «كَيْفَ»: چگونه (رد گزینه ۳) / «بِدْأً»: آغاز نمود، شروع کرد (رد گزینه ۳) / «الْخَلْقُ»: آفرینش (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۶۲- گزینه «۴» (پیروز وفان)
 «طَلَابَ صَفَّيٍ»: دانش‌آموزان کلاس من (مبتدا نیست، چون آخرش فتحه دارد، در حالی که مبتدا ضمته می‌گیرد ← در واقع منادا است) / «تَعَلَّمُوا»: یاد بگیرید (هم می‌تواند ماضی باشد و هم امر و چون قبلش منادا وجود دارد، امر است) (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «بَيْنَ كَلْمَتَيِ»: بین دو کلمه / «الْتَّحَرُّكُ و التَّحْرِيْكُ»: حرکت کردن و حرکت دادن (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «مِنْ حِيثِ الْمَعْنَى»: از جهت معنا / «لِإِسْتَخْدَامِهِمَا الصَّحِيحُ فِي الْجَمْلَ»: برای به کاربردن (کاربرد) درست آن دو در جمله‌ها (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۶۳- گزینه «۴» (سیده مهیا مؤمنی)
 «سَجَّلَتْ»: ثبت شده است (فعل مجهول است). (رد گزینه ۲) / «مَعَالِمَ قَرِيْبَتِنَا الْأَثَرِيَّةِ»: آثار تاریخی روس تایمان (رد گزینه ۳) / «قَدْ أَثَارَتْ»: جلب کرده است (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «السِّيَاحَ»: گردشگران (رد گزینه ۱)

(ترجمه)

۱۶۴- گزینه «۴» (ولی بریهی - ابهر)
 «هذا صوت»: این صدایی است (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «يَخْرُجَ»: آن را در می‌آورد، آن را خارج می‌سازد (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «لَكَيْ يَحْذِرُ»: برای اینکه هشدار دهد (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «سَرِيعًا»: مربوط به بخش آخر عبارت است: به سرعت (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۶۵- گزینه «۱» (درویشعلی ابراهیمی)
 «روابط تجاری»: العلاقات التجارية، الروابط التجارية (رد گزینه ۴) / «میان»: بین (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «در سال‌های اخیر»: خلال (فی) السنوات (الأعوام) الأخيرة (رد گزینه‌های ۳ و ۴) / «شاهد بوده است»: شهدت (رد گزینه ۲) / «پیشرفت قابل توجهی»: تطويراً (تقدماً) ملحوظاً (رد گزینه ۳)

(ترجمه)

۱۵۴- گزینه «۲» (مرتضی کاظم شیرودی)
 «فرهنگ»: مُعجم (رد گزینه ۳؛ زیرا «الموسوعة» یعنی «دانشنامه») / «بسیار کوچکی»: صغیر جداً / «داشتم»: کان لی (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «آن فرنگ»: المعجم، ذلك المعجم (رد گزینه ۳). (نکته: معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بباید و همان اسم دوباره همراه با «ال» تکرار شود، می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد.) / «در فهمیدن معنی کلمه‌ها»: فی فهم معنی الكلمات / «به من کمک می‌کرد»: کان یسعادتی (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۱۵۵- گزینه «۳» (درویشعلی ابراهیمی)
 عبارت صورت سؤال: «دور از چشم، از قلب (hem) دور است» دقیقاً همان مفهوم عبارت گزینه «۳» را دارد.

(مفهوم)

۱۵۶- گزینه «۴» (محمدعلی کاظمی نصرآبادی)
تشریف سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «مؤمنون» خبر نیست و نقش آن صفت برای «شباب» است. گزینه «۲»: «يرفعون» فعل ثالثی مجرد است. (در ابتدای حرف فتحه دارد، پس مشخص است فعل مزید از باب افعال نیست.) گزینه «۳»: «حروفه الأصلية: و، ح، د» صحیح است. (دقیقت کنید حرف «ت» در ابتدای مصدر باب تعامل، جزء حروف اصلی آن نیست.) (تفلیل صرفی و اعراب)

۱۵۷- گزینه «۳» (علی محسن زاده)
 واژه‌های «سَجَّلَتْ» و «الْعَالَمِي» نادرست حرکت‌گذاری شده‌اند و شکل درست آن‌ها «سَجَّلَتْ» و «الْعَالَمِي» می‌باشد. واژه «سَجَّلَتْ» ماضی باب «تفعیل» است و باید بر وزن «فَعْلَ» بیاید. (ضبط هرگات)

۱۵۸- گزینه «۴» (سید محمدعلی مرتضوی)
 جای خالی اول، در ابتدای جمله قرار گرفته است، پس «أنْ» به معنی «که» نامناسب است. (رد گزینه‌های ۱ و ۳ در جای خالی دوم هم با توجه به معنی و ساختار، باز هم «أنْ» مناسب نیست. (رد گزینه ۲) ترجمه: اگر فرد بسیار دروغگو چیزی را پنهان نماید و آن را در برابر دیگران با تأکید انکار کند، برای همیشه نخواهد توانست آن را مخفی نگه دارد!

(انواع بملات)

۱۵۹- گزینه «۲» (سیده مهیا مؤمنی)
 اسم نکره در دو جایگاه می‌تواند معرفه ترجمه شود:
 ۱- خبر شود، بدون اینکه بعدش صفت یا جمله و صفتی‌ای آمده باشد.
 ۲- محدود شود.
 در این گزینه «شجرة» خبر و نکره است، اما چون بعدش «تمو» آمده که جمله و صفتی می‌باشد، پس باید به همان شکل نکره ترجمه شود.

تشریف سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «لَافِفَة» خبر و نکره است که به صورت معرفه ترجمه می‌شود. گزینه «۳»: «مَذْحَمًا» خبر و نکره است که به صورت معرفه ترجمه می‌شود. گزینه «۴»: «كَيْبٌ» محدود و نکره است که به صورت معرفه ترجمه می‌شود. (قواعد اسم)

تاریخ و جغرافیا (۳)

(میلاد باغ‌شیفی)

۱۷۱- گزینه «۳»

مستوفیان در عصر قاجار، مسئولیت محاسبه و گردآوری مالیات‌ها و نظارت بر املاک دیوانی و سلطنتی (خاصه) را بر عهده داشتند.

(تاریخ (۳)، سیاست و کلموت در عصر قاجار، صفحه ۳۹)

(علی‌محمد کریمی)

۱۷۲- گزینه «۱»

عهدنامه‌فین کنستاین، بین ایران و فرانسه در زمان ناپلئون بنایپارت بسته شد و پس از آن، هیئتی نظامی از فرانسه برای تعلیم و تجهیز سپاه به ایران آمد و در مدت کوتاهی اقدامات مفیدی در این زمینه انجام شد.

(تاریخ (۳)، سیاست و کلموت در عصر قاجار، صفحه ۳۶)

(کنکور سراسری ۱۴۰۰)

۱۷۳- گزینه «۱»

رکود صنعت صادرات ابریشم و کمبود طلا و نقره برای تأمین مالی واردات کالا از اروپا و سایر کشورها به ایران، تأثیر بهسازی بر رونق صادرات فرش به عنوان کالای جایگزین در دوران حکومت قاجار داشت.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۵۱ و ۵۳)

(علیرضا رضابی)

۱۷۴- گزینه «۲»

دارالفنون یکی از مدارسی بود که با هدف آموزش علوم مختلف و فنون جدید به دانشجویان ایرانی، در داخل کشور و با ایده و پیگیری امیرکبیر، تأسیس شد.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه‌های ۵۳ و ۵۵)

(میلاد باغ‌شیفی)

۱۷۵- گزینه «۴»

بسیاری از معماران دوره قاجار به سفارش دربار و ثرومندان با استفاده از برخی از عناصر معماری فرنگی و تلفیق آن با معماری ایرانی، سبکی از معماری را به وجود آوردند که در آن عناصر و ویژگی‌های معماری ایرانی و اروپایی ترکیب شده بود. این بناها که به نهادهای «کارت پستالی» معروف شد، بیشتر به تقلید از بنایهای اروپایی ساخته می‌شدند.

(تاریخ (۳)، اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار، صفحه ۵۹)

(فاطمه سقایی)

۱۷۶- گزینه «۴»

«کاهش تدریجی روستانشینی» و «مهاجرت نیروی کار کشاورزی از روستاهای به شهرها»، مسائل و مشکلاتی را در این سکونتگاه‌ها به وجود آورده است. این مسائل، اندیشمندان را بر آن داشته است که به فکر برنامه‌ریزی برای روستاهای و شهرها بیفتند.

(جغرافیا (۳)، جغرافیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۲۱)

(کتاب آبی)

ترجمه عبارت: «متاسفانه بسیاری از مردم چگونگی پیشگیری از بیماری‌های پُرشیوع را نمی‌دانند!».

(واگران)

(درویشعلی ابراهیمی)

در گزینه «۱»، «علامه ن»، در گزینه «۲»، «منی» و در گزینه «۴»، «بزيادة حرفين» نادرست است.

(تفصیل صرفی و اعراب)

(پیروز وجان)

تحن: فعل ماضی جمع مؤنث غائب از ناج (با «تحن» ضمیر متکلم مع الغیر اشتباہ نشود).

غلط‌های سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: الجرباء ← الجرباء (فاعل و مرفوع)
گزینه «۲»: هؤلاء ← هؤلاء (این کلمه مبنی است، پس حرکت آخرش تغییر نمی‌کند).

گزینه «۴»: الكاتيون المجدون ← الكاتيون المجدون (حرکت «ن» در جمع مذکر سالم و مشتّت تغییر نمی‌کند؛ دقت کنید این کلمات معرف هستند و اعراب مرفوعشان با حرف «واو» و اعراب منصوب و مجرورشان با حرف «ی» می‌آید).

(ضبط هرگات)

(محمدعلی کاظمی نسب‌آبادی)

در گزینه «۲»، «الظالم» صفت برای موصوف «العدو» است و نقش «العدو» نیز مبتداست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «النايفة» صفت برای «العلوم» است که نقشش معقول است.
گزینه «۳»: «الصالحات» صفت برای «الباقيات» است که نقشش مضافقی است.

گزینه «۴»: «قديمه» صفت برای «حكایات» است که نقشش مجرور به حرف جر است.

(أنواع بملات)

(کتاب آبی)

صورت سوال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «من» منصوب باشد و می‌دانیم که «مفهول» جزو نقش‌های منصوبی است. در گزینه «۲»، «من» مفعول فعل «يرحم» و منصوب است. ترجمه: «امید است خدا به کسی که به مردم رحم کرده است، رحم کند».

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «من» مضافقی و مجرور است. ترجمه: «هر کسی که از ما نیست، ما را نمی‌شناسد».

گزینه «۳»: «من» خبر و مرفوع است. ترجمه: «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خویش افرود».

گزینه «۴»: «من» فاعل و مرفوع است. ترجمه: «کسی که به وظایف خویش در مراقبت از محیط‌زیست عمل می‌کند، پشیمان نمی‌شود».

(قواعد اسم)



(علیرضا علوبیان)

گزینه ۱۸۲

عبارات «الف» و «ب» و «ه» درست هستند.
تشرییم عبارات نادرست:

(ج) داریوش به منظور دفع حملات قبایل صحراء‌گرد سکایی، به مناطق دور دستی در شمال دریای سیاه و جنوب روسیه کنونی لشکرکشی کرد.
(د) کوشش دستور داد تا ماجراجی فتح مسالتمت‌آمیز بابل را بر لوحی استوانه‌ای به زبان بابلی بنویسن.

(تاریخ (ا)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۵)

(علی‌محمد کریمی)

گزینه ۱۸۳

سلوکیان از اوایل تشکیل حکومت خود، با جانشینان اسکندر در مصر، وارد رقابت و درگیری شدند، بنابراین بیشتر توجه شاهان سلوکی به مناطق غربی قلمرو خودشان بود و بر متصروفات شرقی خویش نظرات و سلطه کامل نداشتند.

(تاریخ (ا)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۶)

(علی‌محمد کریمی)

گزینه ۱۸۴

در زمان پادشاهی قباد یکم، حکومت ساسانی با جنبش اجتماعی و اقتصادی به رهبری مزدک مواجه شد. مزدک طرفدار برابر مردم در بهره‌مندی از منافع اقتصادی و اجتماعی بود و عقیده داشت مردم باید در زندگی از امکانات یکسانی برخوردار باشند.

(تاریخ (ا)، ایران در عصر باستان، صفحه ۹۵)

(هوار میربلوکی)

گزینه ۱۸۵

در دوره هخامنشی ترکیبی از قوانین و شیوه‌های دادرسی اقوام ایرانی و نیز اقوام و ملت‌های غیرایرانی تابع امپراتوری هخامنشیان، مبنای قضاوت بوده است. قضاوت به دو شکل رسمی و غیررسمی صورت می‌گرفت. شکل غیررسمی را اغلب ریش سفیدان و بزرگان خانواده‌ها و قبایل بر عهده داشتند. قضاوت رسمی، بیشتر بر عهده روحانیون زرتشتی و نیز قصاتی بود که از سوی شاه و یا حاکمان مناطق مختلف منصوب می‌شدند.

(تاریخ (ا)، ایران در عصر باستان، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

(کنکور سراسری ام۱۴)

گزینه ۱۸۶

در ایران بیشتر بارش‌ها در اواخر فصل پاییز تا اوایل فصل بهار می‌بارد، به این دلیل هر چه به پایان این دوره نزدیک‌تر می‌شویم، آبده‌ی رودها بیشتر می‌شود.

(بفاراغیای ایران، بفاراغیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹)

(فاطمه سقایی)

گزینه ۱۸۷

در مناطق کوهستانی، مکان‌هایی وجود دارد که سرچشمه رودهای متعددی هستند. به این مکان‌ها کانون‌های آبگیر می‌گویند. رودهایی که از کانون‌های آبگیر سرچشمه می‌گیرند، ممکن است در جهات مختلف جریان یابند. این کانون‌های آبگیر دارای سه نوع دائمی، فصلی و اتفاقی هستند.

(بفاراغیای ایران، بفاراغیای طبیعی ایران، صفحه ۴۹)

(کنکور فارج از کشور ام۱۴)

یکی از پدیده‌های ناشی از نظام اقتصادی سرمایه‌داری، نابرابری فضایی است. در بیشتر شهرها امکانات و خدمات شهری به طور عادلانه و متوازن توزیع نشده‌اند و بین مناطق برخوردار و مرتفه و مناطق محروم تفاوت‌های چشمگیری از نظر فضای جغرافیایی مشاهده می‌شود. برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید برای رفع این نابرابری‌ها چاره‌اندیشی و اقدام کند.

در زاده‌ها تجهیزات و خدمات مناسبی برای ساکنان وجود ندارد و حداقل نیازهای افراد برطرف نمی‌شود.

(بفاراغیا (۳)، بفاراغیای سکونتگاه‌ها، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

(علیرضا رضایی)

گزینه ۱۷۸

تحقیق روستای پایدار سه رکن دارد: فعال کردن اقتصاد روستا، خدمات اجتماعی و فرهنگی و حفظ محیط‌زیست روستا و چشم‌اندازهای طبیعی آن.

(بفاراغیا (۳)، بفاراغیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۱)

(علیرضا رضایی)

گزینه ۱۷۹

یکی از ویژگی‌های عمدۀ برنامۀ آمایش سرزمین، توجه به همه ابعاد توسعه شامل جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دفاعی و محیطی کشور به طور هماهنگ است.

(بفاراغیا (۳)، بفاراغیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۶)

(فاطمه سقایی)

گزینه ۱۸۰

بیشتر روستاییان با مسائلی چون نداشتن مالکیت زمین، کمبود زمین، یکپارچه‌بودن و قطعه‌بودن زمین‌های کشاورزی و نداشتن سرمایه لازم برای کشت تجاری و سودآور دست به گریبان‌اند.

در برخی زمین‌ها میزان تولید پایین و در حد رفع نیازهای داخلی روستاهاست. روستاییان به دلیل عدم دسترسی به بازارها اغلب گرفتار واسطه‌ها می‌شوند و مجبورند محصولاتشان را با قیمت بسیار کم به آن‌ها بفروشند.

(بفاراغیا (۳)، بفاراغیای سکونتگاه‌ها، صفحه ۳۱)

تاریخ و جغرافیا (۱)

(علیرضا علوبیان)

گزینه ۱۸۱

بورش‌ها و غارت‌گری‌های پیاپی آشوریان، زمینه اتحاد قبایل پراکنده ماد را فراهم آورد.

(تاریخ (ا)، ایران در عصر باستان، صفحه ۱۸)



(علی محمد کریمی)

خواجه نظام الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌های بایر و بلاستفاده، نظام اقطاع را که در دوره آل بویه رایج بود گسترش داد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۱۱)

(فاطمه سقایی)

منظور از خانواده زبانی، گروه بزرگی از زبان‌های است که یک ریشه اصلی دارند. بیش از نیمی از مردم جهان، به یکی از زیرشاخه‌های خانواده زبانی هند و اروپایی صحبت می‌کنند. خانواده زبانی چینی تبیی دومین خانواده بزرگ زبانی از نظر تعداد سخن‌گو است.

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۶۹ و ۷۰)

(فاطمه سقایی)

چشم‌انداز یعنی منظرة قابل رویت از یک مکان، چشم‌انداز شیوه زندگی مردم یک ناحیه را به مشاهده‌گر نشان می‌دهد.

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۷۴)

(فاطمه سقایی)

پدیده‌پخش یا انتشار فراینده است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب، افکار و ایده‌ها، نوآوری، وسایل و ابزار، لباس، شیوه زندگی و حتی بیماری از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد.

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه‌های ۸۱ و ۷۹)

(کلتور سراسری ۱۱۵)

فعالیت‌های نوع دوم (صنعت): شامل فعالیت‌هایی است که طی آن‌ها منابع و مواد اولیه در کارخانه‌ها تغییر شکل می‌یابند و به کالا تبدیل می‌شوند. (الف) و (د)

فعالیت‌های نوع سوم (خدمات): به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در فرایند آن‌ها خدماتی به دیگران ارائه می‌شود. (ب و ج)

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۸۴)

(فاطمه سقایی)

امروزه کشورها سعی می‌کنند با ایجاد پارک‌های علمی و فناوری، صنایع نو را گسترش دهند. این پارک‌ها معمولاً در نزدیکی قطب‌های صنعتی ایجاد می‌شوند و از تحقیقات دانشگاهی استفاده می‌کنند.

(جغرافیا (۲)، نواحی انسانی، صفحه ۹۶)

«گزینه ۱۹۵»

(علی‌محمد کریمی)

ب) تنگه هرمز محل اتصال خلیج فارس و دریای عمان است.
ج) قسم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس است.

(جغرافیای ایران، هنر ایران، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

«گزینه ۱۸۸»

ب) تنگه هرمز محل اتصال خلیج فارس و دریای عمان است.
ج) قسم بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس است.

(جغرافیای ایران، هنر ایران، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

«گزینه ۱۸۹»

به دلیل شوری آب دریاچه هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند در آن زندگی کند.
(رد قسمت اول گزینه ۱ و قسمت دوم گزینه ۴)

مورد دوم گزینه ۲ هم از دلایل اهمیت دریاچه ارومیه نیست.
(جغرافیای ایران، هنر ایران، صفحه‌های ۵۷)

«گزینه ۱۹۰»

آب برخی از دریاچه‌های کشور سور است و برخی دیگر آب شیرین دارند.
(جغرافیای ایران، هنر ایران، صفحه‌های ۵۶ و ۵۷)

تاریخ و جغرافیا (۲)

«گزینه ۱۹۱»

سلسله‌های طاهریان و سامانیان، ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه خراسان و موارد النهر داشتند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۰)

«گزینه ۱۹۲»

امیران شیعه‌مذهب علویان طبرستان که از سادات علوی به شمار می‌رفتند خود مدعی خلافت بودند و عباسیان را غاصب خلافت می‌شمردند. از این‌رو، بیشتر دوران حکومت علویان طبرستان (۲۵۰-۳۱۶ ق) به کشمکش و جنگ با سپاهیان خلیفه و لشکریان طاهریان و سامانیان که متحد خلافت بودند، سپری شد.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۲)

«گزینه ۱۹۳»

جرج سارتن، پدر تاریخ علم، رازی را بزرگ‌ترین پژوهش اسلام و قرون وسطا شمرده است.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه ۹۸)

«گزینه ۱۹۴»

در زمان آل‌بارسلان، جانشین طغل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند.

(تاریخ (۲)، ایران از ورود اسلام تا پایان صفویه، صفحه‌های ۱۰۲ و ۱۰۳)



هرچند کشف مصاديق علیت و حکم دادن به علت و معلوم بودن دو رویداد خاص بدون استمداد از تجربه و بدون انتکا به حس ممکن نیست. با این حال فلاسفه مسلمان چون معتقدند درک ما از اصل علیت بر پایه عقل محض و استدلال از بدیهیات است آن را می‌پذیرند؛ اما هیوم هیچ درک عقلی بدون تجربه را نمی‌پذیرد. (تأثیید بخش دوم گزینه‌های ۲ و ۳ و رد بخش دوم گزینه ۱)

در رد گزینه سوم هم باید توجه کنید که تجربی بودن منافی عقلانی بودن نیست. بلکه قائل بودن به صرف عقل و مستقل بودن آن از تجربه است که با تجربه‌گرایان مخالف است، و گرنه تجربه هم از عقل بهره‌مند است. (رد بخش اول گزینه ۳)

(فلسفه دوازدهم، بیان علی و معلومی، صفحه‌های ۱۶ و ۱۷)

(حسن صدری)

باغبان با فراهم کردن عوامل رشد درخت، ضرورتاً رشد آن را انتظار دارد و انتظار نتیجه‌ای خلاف رشد درخت را ندارد. این امر نشان‌دهنده‌ی پذیرش اصل «وجوب علی و معلومی» و تخلف‌پذیری معلوم از علت است. همچنین اینکه باغبان از درخت سبب تنها انتظار معلوم مناسب با آن، یعنی میوه سبب را دارد، نشانه‌ی پذیرش اصل «سنخیت میان علت و معلوم» است.

(فلسفه دوازدهم، بیان علی و معلومی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

(نیما بواهری)

اصول «سنخیت علت و معلوم» و «وجوب علی و معلومی» از فروع اصل علیت محسوب می‌شوند؛ زیرا هر یک از این اصول فرع بر رابطه وجود بخشی میان علت و معلوم مطرح می‌شوند و هر یک ناظر بر جنبه‌ای از این رابطه هستند. اصل «سنخیت علت و معلوم» ناظر بر این است که بین علت و معلومی تناسب خاصی برقرار است و از هر علت هر معلومی پدید نمی‌آید. اصل «وجوب علی و معلومی» ناظر بر ضرورت بخشی علت به معلوم است و بیان می‌کند که معلوم نمی‌تواند از علتش تخلف کند و به وجود نیاید یا اینکه علت باشد و معلوم به وجود نیاید. این اصول بیانگر چگونگی و احکام رابطه علیت هستند.

گزینه‌های «۱» و «۳» مربوط به اصل «سنخیت علت و معلوم» هستند و گزینه «۲» مربوط به اصل «وجوب علی و معلومی» است.

(فلسفه دوازدهم، بیان علی و معلومی، صفحه‌های ۱۸ تا ۲۰)

(نیما بواهری)

نظریه دموکریتوس با معانی دوم و سوم اتفاق سازگار است؛ یعنی هم اصل سنخیت را رد می‌کند و هم غایتمندی میان پدیده‌ها را.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: این نظریه صدفه و اتفاق را رد نمی‌کند و با معانی دوم و سوم آن همسو است.

گزینه «۲»: این نظریه لزوماً وجوب علی و معلومی را زیر سؤال نمی‌برد و بیانگر معنای اول اتفاق نیست.

گزینه «۳»: طبق این نظریه، این برخورد اتفاقی ائمها و ذرات تجزیه‌نپذیر است که عناصر را به وجود می‌آورد، نه بر عکس.

(فلسفه دوازدهم، کدام تصور از بیان؟، صفحه‌های ۲۲ و ۲۷)

فلسفه دوازدهم

(حسین آفوندی راهنمایی)

۲۰۱- گزینه «۳»

در رابطه علیت یک طرف به طرف دیگر که قبل از بودن وجود می‌دهد.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: در روابط غیروجودی رابطه فرع بر وجود طرفین رابطه است؛ یعنی ابتدا باید دو طرف وجود داشته باشد تا رابطه برقرار شود، اما علیت این گونه نیست.

گزینه «۲»: در علیت دو موجود مستقل نداریم، بلکه وجود یکی وابسته به دیگری است.

گزینه «۴»: وجود لزوماً ذاتی طرفین نیست و معلوم برای وجود یافت نوابسته به علت است.

(فلسفه دوازدهم، بیان علی و معلومی، صفحه ۱۳)

(حسین آفوندی راهنمایی)

۲۰۲- گزینه «۳»

ما با حواس می‌توانیم فقط رنگ بینیم و یا صدا بشنویم و به امور ظاهری اشیاء پی‌بریم، تفسیر آن با قوه عقل است. پس حس فقط انتقال داده است و درک و تفسیر کار عقل است اما به کمک حواس.

(فلسفه دوازدهم، بیان علی و معلومی، صفحه‌های ۱۸ و ۱۹)

(سیا بهغفرزاده صابری)

۲۰۳- گزینه «۴»

فیلسوفان مسلمان ادراک رابطه علیت را کار عقل می‌دانند و معتقدند که این رابطه در حس مکشوف نیست. اما یافتن و تشخیص مصاديق آن نیازمند حس و تجربه است و مشاهده را در آن مؤثر می‌دانند.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: تجربه‌گرایان حس و تجربه را مبنای حکم به رابطه علیت می‌دانند.

گزینه «۲»: از منظر دکارت انسان از اصل علیت درک فطری دارد، اما یافتن مصاديق علت و معلوم نیازمند تجربه و آموزش است.

گزینه «۳»: ادراک انسان از رابطه علیت از منظر هیوم چیزی جز یک امر روانی ناشی از توالی پدیده‌ها نیست.

(فلسفه دوازدهم، بیان علی و معلومی، صفحه‌های ۱۶)

(سیا بهغفرزاده صابری)

۲۰۴- گزینه «۲»

دکارت درک ما از علیت را فطری می‌داند (فطری بودن نزد او تا حدود زیادی به معنای بدیهی بودن و حضور بی‌واسطه نزد عقل است). اما هیوم درک ما از این رابطه را متأثر از تجربه و ناشی از عادت ذهنی در اثر تعاقب حوادث پی‌درپی می‌داند. لذا از نظر دکارت (و همچنین فلاسفه) مسلمان حکم ما به جاری و ساری بودن رابطه علیت در جهان خارج بر پایه عقل است و لذا این رابطه ضروری است. اما هیوم چون حکم به آن را بر اثر عادت ذهنی می‌داند آن را قطعی و ضروری به حساب نمی‌آورد. (تأثیید بخش اول گزینه‌های ۱ و ۲ و رد بخش دوم گزینه ۴)

می‌توان در مورد بین فلاسفه مسلمان و هیوم اشتراک نظر یافت. از نظر هر دو رابطه علیت امری نیست که حس و تجربه بتواند آن را ادراک کند؛



(فرهار قاسمه نثار)

دو قضیه متنضاد در صورتی قطعاً هر دو کاذب هستند که رابطه موضوع و محمول در آن دو قضیه منوجه باشد. مانند ماشین و بارکش.
(منطق، احکام قضایا، صفحه ۶۳)

گزینه «۲۱۲

(مسن صدری)

در تداخل اگر قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی آن قطعاً کاذب است، پس اگر بدانیم «بعضی ج د نیست» کاذب است، بهطور قطعی می‌توانیم بگوییم که «هیچ ج د نیست» نیز قضیه‌ای کاذب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: از صدق کلی به صدق جزئی می‌رسیم.

گزینه «۳»: از کذب جزئی به کذب کلی می‌رسیم.

گزینه «۴»: از صدق جزئی به طور قطعی نمی‌توان صدق کلی را نتیجه گرفت.

(منطق، احکام قضایا، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

(فرهار قاسمه نثار)

عکس هر کتابی نویسنده دارد (به عبارت دیگر هر کتابی دارای نویسنده است) می‌شود بعضی دارای نویسنده‌ها کتاب هستند و نقیض آن می‌شود هیچ دارای نویسنده‌ها کتاب نیست.

(منطق، احکام قضایا، صفحه‌های ۶۷، ۶۸ و ۶۹)

گزینه «۲۱۴

(مسن صدری)

عکس مستوی لازم‌الصدق یک قضیه «موجبه کلیه»، همواره «موجبه جزئیه» است. در عکس مستوی اگر از موجبه کلیه به موجبه کلیه بررسیم، دچار مغالطه ایهان انعکاس شده‌ایم.

(منطق، احکام قضایا، صفحه ۶۹)

گزینه «۲۱۵

(نیما بواهری)

در روابط تناقض و تضاد می‌توانیم از صدق یک گزاره به کذب قطعی متنقابل آن حکم بدیم.

نتکن: در استنتاج صدق و کذب در عکس مستوی به این نکته طلبی و ناگفته بسیار توجه کنید و آن را به خاطر بسپارید: در عکس مستوی از صدق اصل به صدق عکس می‌رسیم (نه برعکس!) و از کذب عکس به کذب اصل می‌رسیم (نه برعکس!).

(منطق، احکام قضایا، صفحه‌های ۶۷، ۶۸ و ۶۹)

(مسین آفونزی، راهنمایی)

در موجبه کلی بین موضوع و محمول آن می‌تواند نسبت تساوی و عموم و خصوص مطلق باشد.

به جهت اینکه امکان دارد حالت عموم و خصوص مطلق برقرار باشد ← پس باید عکس موجبه کلی را جزئی کرد که صدق حفظ شود.

(منطق، احکام قضایا، صفحه‌های ۶۷ و ۶۸)

(مسن صدری)

گزینه «۲۰۸

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: معنای اول اتفاق هم مستلزم انکار اصل علیت و هم وجوب علی و معلول است.

گزینه «۲»: انکار معنای دوم اتفاق ملازم با قبول اصل ساختی میان علت و معلول است.

گزینه «۳»: تنها زمانی می‌توان غایتمانی در میان موجودات این جهان را اثبات کرد که از پیش وجود خداوند به عنوان علت‌العلل و غایت‌الغایات را پذیرفته باشیم.

گزینه «۴»: معنای چهارم اتفاق با هیچ‌یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست و کاملاً ممکن است و به علم ناقص و محدود ما برمی‌گردد.

(فلسفه دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

گزینه «۲۰۹

(الف) اینکه جهان با وجود نظم هدف خاصی را در بی نداشته باشد اشاره به معنای سوم اتفاق یعنی انکار هدفمندی و غایتمانی جهان است. دقت کنید که واژه نظم لزوماً در هر عبارتی به معنای دوم اتفاق اشاره ندارد.

(ب) معنای چهارم اتفاق که عبارت است از رخداد حوادث پیش‌بینی نشده که هیچ تعارضی با اصل علیت و فروع آن ندارد و مربوط به علم محدود و ناقص ما نسبت به حوادث پیرامونی است.

(ج) اینکه صرفاً برخی از عوامل تحقق یک معلول وجود یافته باشد اما معلوم ضرورتاً موجود شود مربوط به معنای اول اتفاق یعنی انکار اصل علیت و وجوب بخشی علت به معلول است.

(فلسفه دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

گزینه «۲۱۰

(نیما بواهری) ما فیلسوفی را سراغ نداریم که بهطور صریح و روشن با معنای اول اتفاق موافق باشد. فیلسوفان، معمولاً چنین اتفاقی را انکار می‌کنند و می‌گویند هر معلولی به علت نیاز دارد و یک رابطه ضروری میان علت و معلول برقرار است. امکان ندارد که موجودی، خودبه‌خود و بدون علتی که به آن وجود ببخشد، پیدی آید.

معنای چهارم اتفاق، همان‌طور که گفته شد، رخداد حادثه پیش‌بینی نشده است. این معنای اتفاق با هیچ‌یک از اصول و لوازم علیت مخالف نیست. بلکه مربوط به علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی است. بنابراین می‌تواند کاربرد درستی داشته باشد.

(فلسفه دوازدهم، کدام تصویر از جهان؟، صفحه‌های ۲۶ و ۲۷)

منطق

(فرهار قاسمه نثار)

گزینه «۲۱۱

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند. (صادق) هر که چهره برافروخت دلبری داند. (کاذب)

نه هر که ... متناقض هر که ... است. پس دو قضیه فوق متناقض هستند. تناقض قضیه دوم نیز می‌شود بعضی کسانی که چهره برمنی افروزنده دلبری نمی‌دانند که صادق است.

(منطق، احکام قضایا، صفحه ۶۱۳)



فلسفه یازدهم

(فرهار قاسمی نژاد)

گزینه «۲۱

شناخت تمایزها و تفاوت‌های اشیا (با ابزار حس) این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت استفاده‌های مختلف بکند.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵)

(فرهار قاسمی نژاد)

گزینه «۲۲

انسان دارای قوهای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او به کمک این قوه هم می‌تواند امور محسوس و طبیعی را درک کند و هم امور غیرمحسوس و غیرطبیعی را بشناسد.

تکنت: منظور از قلمرو شناخت گستره آن می‌باشد؛ یعنی با استفاده از آن ابزار تا چه حد می‌توان به شناخت رسید و چه چیزهایی را می‌توان شناخت.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۲)

(سپاه پغمناری صابری)

گزینه «۲۳

قرآن کریم نمونه بارزی از شناخت وحیانی است که آشنایی با حقایق آن بستگی به میزان آگاهی و دقت (تدبر و تأمل) فرد دارد. پس مشروط و متغیر می‌باشد

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: پیامبران تنها دریافت کننده مستقیم وحی هستند؛ اما مردم نیز به وسیله پیامبران از آنچه که شناخت و معرفت وحیانی تلقی می‌شود بهره می‌برند.

گزینه «۲»: بالاترین مرتبه شهود، وحی است و وحی خود یکی از شهودهای قلبی به شمار می‌رود پس ابزار مستقل شناختی محسوب نمی‌شود.

گزینه «۴»: معرفت شهودی بی‌واسطه است، اما برای درک معارف وحیانی انسان نیاز به تعقل و تدبیر دارد پس عقل انسان در درک حقایق تأم با وحی نقش دارد.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۴ تا ۵۶)

(نیما پواهری)

گزینه «۲۴

دانستنی‌های دانش فلسفه از طریق حواس و تجربه به دست نمی‌آیند، بلکه فقط از طریق تعقل محض می‌توان به آن‌ها رسید. مثلاً ذات و صفات خداوند را نمی‌توان با حس و تجربه درک کرد و شناخت آن‌ها مستلزم بهره‌گیری از قواعد شناخت عقلی است.

از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی، توانایی حس در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهای است.

عارف و سالک‌الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت را مشاهده کند. علاوه‌بر عالم طبیعت، سایر عوالم را مشاهده نماید و وجود فرشتگان را هم واقعاً بیابد. این قبیل مشاهدات، از نوع شهود قلبی است و از راه چشم به دست نمی‌آید.

(فلسفه یازدهم، ابزارهای شناخت، صفحه‌های ۵۱، ۵۲ و ۵۳)

(نیما پواهری)

گزینه «۲۱۸

عبارت اول در گزینه اول عکس مستوی متنافق عبارت «بعضی ج الف است» در صورت سؤال است. اگر این عبارت صادق را متنافق کنیم عبارت «هیچ ج الف نیست» به دست می‌آید که قضیه کاذب است و عکس مستوی آن نیز از نظر صدق و کذب نامعلوم است؛ زیرا نمی‌توان از قضیه کاذب عکس مستوی ساخت.

عبارت دوم در گزینه اول متنافق عبارت «هر الف غیر است» در صورت سؤال است. اگر این عبارت کاذب را متنافق کنیم عبارت «بعضی الف غیر نیست» به دست می‌آید که قضیه‌ای صادق است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: عبارت اول این گزینه متنافق قضیه اول در صورت سؤال است. در تناقض از صدق یک طرف به کذب طرف دیگر می‌رسیم؛ بنابراین این قضیه کاذب است، نه نامعلوم. - عبارت ذکر شده مضاد عبارت صورت سؤال است و صدق یا کذب مضاد یک قضیه کاذب نامعلوم است.

گزینه «۳»: عبارت اول این گزینه تداخل تحت تضاد قضیه اول در صورت سؤال است. در تداخل تحت تضاد از کذب به صدق می‌رسیم، بنابراین ارزش این قضیه نامعلوم است. - عبارت ذکر شده عکس مستوی قضیه صورت سؤال است و می‌دانیم که از یک قضیه کاذب نمی‌توان عکس مستوی ساخت، زیرا عکس مستوی آن گاهی صادق درمی‌آید و گاهی کاذب، پس نامعلوم است.

گزینه «۴»: عبارت اول در این گزینه عکس مستوی قضیه «بعضی ج الف است» که چون اصل قضیه صادق است عکس آن نیز صادق می‌باشد و نامعلوم نیست.

(منطق، اکلام قضا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

گزینه «۲۱۹

بین موضوع و محمول قضیه موجبه جزئیه (با فرض صدق قضیه) می‌تواند نسبت ۱-تساوی ۲-عموم و خصوص مطلق ۳-عموم و خصوص منوجه باشد.

متداخل قضیه موجبه جزئی صادق از نظر صدق و کذب نامعلوم است، چون در رابطه تداخل صرفاً از صدق قضیه کلی می‌توان به صدق قضیه جزئی رسید و نه بر عکس.

(منطق، اکلام قضا، صفحه‌های ۶۴، ۶۵ و ۶۶)

(نیما پواهری)

گزینه «۲۲۰

اگر در یک قضیه موجبه کلی مانند «هر الف ب است» عکس مستوی را بدون تغییردادن سورسازیم یک قضیه موجبه کلی دیگر با موضوع و محمول جایه‌جا یعنی «هر ب الف است» به دست می‌آید. در حالی که ما نسبت به محتوای قضیه بی‌اطلاع باشیم نمی‌توانیم درباره صدق و کذب این قضیه جدید سخن بگوییم و نامعلوم است. اما در این صورت سؤال گفته شده

که بین موضوع و محمول عموم و خصوص مطلق با عام بودن محمول (ب) برقرار است. پس اگر «هر الف ب است» صادق باشد و «ب» عام‌تر از «الف» باشد، قضیه «هر ب الف است» یک قضیه کاذب است نه نامعلوم. بنابراین گزینه سوم صحیح و گزینه چهارم نادرست و پاسخ سؤال است.

(منطق، اکلام قضا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)



(سیا پیغمبرزاده صابری)

ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان‌ها، می‌توانست قطعیت احکام تجربی را زی میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع‌نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهر کنند.

تکن: بنابراین با مشکل رو به رو شدن واقع‌نمایی دانش تجربی معلوم عبارات پیشین است نه علت.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه ۶۶)

(نیما پواهری)

از نظر پراگماتیست‌ها هرچند که تنها ابزار ما در شناخت اشیاء حس و تجربه است، اما از طریق تجربه نمی‌توان به واقعیت اشیاء رسید. بنابراین ما باید تعریف خود را از درستی یک حقیقت تغییر دهیم و دیگر نمی‌توان حقیقت و شناخت را مانند گذشته یک امر ثابت و همگانی دید که باید در جهان کشف شود و معیار درستی آن در واقع‌نمایی و میزان تطابق آن با واقعیت باشد. بلکه معیار درستی در عمل و کاربرد آن گزاره در زندگی ما است. به این معنا حقیقت دیگر یک امر همگانی نیست و هیچ‌گاه کسی نمی‌تواند ادعای دستیابی به تمام حقیقت و حقیقت کامل را داشته باشد، زیرا هر کس از نظرگاه خود و از دریچه زندگی عملی خود با آن مواجه می‌شود.

توبه: پراگماتیسم را به معنای فایده‌گرایی صرف و خام و اینکه هر چه دوست داشتیم با به نفعمن بود همان حقیقت است، تگرید.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه ۶۷)

«گزینه ۲»-۲۲۹

(حسن صدری)

پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی به دلیلی خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود حرکت وجود ندارد و اشیاء در ثبات و پایداری کامل هستند. در گزینه «۳» علت و معلول جابه‌جا آمده است، یعنی عدم اعتقاد پارمنیدس به حرکت، علت عدم باور او به اعتبار شناخت حسی دانسته شده است، حال آنکه عکس آن صحیح است. یعنی عدم باور پارمنیدس به اعتبار شناخت حسی بود که سبب شد او به حرکت اعتقاد نداشته باشد و اشیاء را در ثبات و پایداری کامل بداند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)

«گزینه ۴»-۲۳۰

(نیما پواهری)

معرف فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با اتکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

منطق

«گزینه ۲»-۲۲۷

در دوره معاصر، فیلسوفان مسلمان این نظر علامه طباطبائی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می‌توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند (پس هر کدام حیطه متناسب با خود دارند، نه اینکه همه در هر حیطه‌ای کاربرد داشته باشند یا حیطه‌های آن‌ها یکسان و کاملاً مشترک باشند).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: سه‌روزه‌ی کوشید در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه شهودهای قلبی بنا نماید.

گزینه «۳»: این سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید.

گزینه «۴»: این عبارت مربوط به ملاصدرا است. فارابی نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشت؛ اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کرد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه‌های ۶۱ تا ۶۳)

(کتاب آبی)

صورت سؤال به رابطه «تناقض» اشاره می‌کند، که در گزینه «۲» دیده می‌شود. در رابطه تناقض هم کمیت و هم کیفیت قضایا را تعییر می‌دهیم. (منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۳)

(کتاب آبی)

عبارت صورت سؤال نشان‌دهنده دو قضیه متضاد است که جمع این دو قضیه محال اما رفع آن دو ممکن است. در رابطه تضاد اگر قضیه کلی کاذب باشد، نمی‌توانیم به صورت قطعی بگوییم که قضیه متضاد آن صادق است یا کاذب.

تکن: رابطه تضاد تنهای میان قضیه‌های موجبه کلیه و سالبه کلیه برقرار است. (منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۴)

(علیرضا نصیری)

زمانی در دو قضیه متقابل می‌توان از صدق یک طرف به صدق طرف دیگر رسید که این دو قضیه متداخل باشند. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) قضایای متداخل همواره از دو قضیه که در کمیت با یکدیگر متفاوت‌اند تشکیل شده است و بنابراین همواره یک قضیه کلیه و دیگری جزئی خواهد بود. (تأیید گزینه ۱)، در قضایای متداخل می‌توان از کذب قضیه جزئیه، کذب قضیه کلیه را نتیجه‌گیری کرد اما بر عکس آن اشتباه است. (رد گزینه ۳)

تکن: در تضاد بین قضایا، صرفاً از صدق یک طرف می‌توان کذب دیگری را نتیجه‌گیری کرد.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

«گزینه ۱»-۲۳۳

(سیا پیغمبرزاده صابری)

از نظر کانت شناخت حاصل همکاری حس و عقل است؛ اینکه خورشید طلوع می‌کند و پس از آن زمین روشن می‌شود داده‌ای است که حس در اختیار دستگاه ادراکی ما قرار می‌دهد و این دستگاه ادراکی ما با استفاده از مفاهیم مستقل از تجربه (مانند علیت) که در اختیار دارد، حکم به یک رابطه وجودی بین این دو پدیده متعاقب می‌کند. پس اینکه علت روشن شدن زمین خورشید است امری است که به کمک مفاهیم دستگاه ادراکی درک می‌شود.

علل رد سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: بیکن محصور ماندن علوم تجربی در خرافات را نتیجه دنباله‌روی فیلسوفان گذشته از ارسطو می‌دانست نه بر عکس.

گزینه «۲»: از منظر کانت شناخت حاصل همکاری حس و عقل است؛ نه مفاهیم دستگاه ادراکی.

گزینه «۳»: دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود؛ اما به شناخت عقلی بهای بیشتری می‌داد.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

«گزینه ۳»-۲۲۵

پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی به دلیلی خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، اعتبار ندارد. به همین جهت پارمنیدس معتقد بود حرکت وجود ندارد و اشیاء در ثبات و پایداری کامل هستند.

در گزینه «۳» علت و معلول جابه‌جا آمده است، یعنی عدم اعتقاد پارمنیدس به حرکت، علت عدم باور او به اعتبار شناخت حسی دانسته شده است، حال آنکه عکس آن صحیح است. یعنی عدم باور پارمنیدس به اعتقاد نداشته باشد و اشیاء را در ثبات و پایداری کامل بداند.

(فلسفه یازدهم، نگاهی به تاریخ‌فه معرفت، صفحه‌های ۵۹ تا ۶۱)



(علیرضا نصیری)

اگر قضیه «بعضی الف ب نیست» کاذب باشد تنها قضیه‌ای که با قطعیت می‌توان حکم به کذب آن کرد «هیچ الف ب نیست» می‌باشد. بنابراین باید به دنبال گزینه‌ای بگردیم که در نهایت به این قضیه ختم شود.

گزینه ۱

گزینه ۱: متداخل قضیه «بعضی الف ب است»، «هر الف ب است» می‌باشد و متضاد آن «هیچ الف ب نیست» است. بنابراین همین گزینه جواب تست خواهد بود.

گزینه ۲: متداخل قضیه «بعضی الف ب است»، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد و متضاد آن «هر الف ب است» است.

گزینه ۳: متضاد قضیه «هر الف ب است»، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد و متناقض آن «بعضی الف ب است» است.

گزینه ۴: متناقض قضیه «هیچ الف ب نیست»، «بعضی الف ب است» می‌باشد و متداخل آن «هر الف ب است» است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

(کتاب آبی)

بعضی خیرخواه‌ها انسان هستند، عکس مستوی قضیه اول است. اصل قضیه صادق است. بنابراین عکس آن هم صادق است.

هیچ خیرخواهی انسان نیست، متناقض قضیه «بعضی خیرخواه‌ها انسان هستند» است و چون این قضیه که عکس مستوی قضیه اول بود صادق است. بنابراین متناقض آن کاذب است.

بعضی انسان‌ها خیرخواه هستند، متداخل قضیه اول است. قضیه اول (که قضیه‌ای کلی هم هست) صادق است. بنابراین متداخل آن (که قضیه‌ای جزئی است) صادق است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

گزینه ۱**گزینه ۲**

(علیرضا نصیری)

گزینه ۱: استدلالی که در این گزینه مطرح شده بدین شکل است: «بعضی از دانشجویان در سلف غذا می‌خورند. در نتیجه بعضی از کسانی که در سلف غذا می‌خورند دانشجو هستند.» و چون قواعد عکس در آن بهدرستی رعایت شده پس صحیح است.

تکن: سور «بسیاری» یک سور غیراستاندارد است و به صورت استاندارد باید به شکل «بعضی» استفاده شود.

گزینه ۲: استدلال این گزینه بدین شکل است: «بعضی داروهای خوشمزه نیستند. در نتیجه بعضی چیزهایی که خوشمزه نیستند (بدمزه‌اند) دارو نیستند.» و از آنجایی که در آن برای یک قضیه سالبه جزئیه عکس مستوی لازم‌الصدق قائل شده است؛ همچنین به جای صرف جایه‌جا کردن موضوع و محمول قضیه اصل، محمول آن را نقیض کرده است! پس ایهام انکاس در آن رخ داده است.

گزینه ۳: از قضیه «هیچ بی‌سوادی نمی‌تواند بخواند یا بنویسد». می‌توان نتیجه گرفت که «هیچ کسی که می‌تواند بخواند یا بنویسد بی‌سواد نیست.» و در این نتیجه گیری ایهام انکاس رخ نداده است.

گزینه ۴: در این گزینه نیز یک قضیه موجبه جزئیه به عنوان عکس مستوی یک قضیه موجبه کلیه در نظر گرفته شده که صحیح می‌باشد.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه ۶۹)

گزینه ۳

(علیرضا نصیری)

گزینه ۱: متداخل قضیه گفته شده، «بعضی الف ب نیست» است و متناقض آن «هر الف ب است»

گزینه ۲: متضاد قضیه گفته شده، «هیچ الف ب نیست» است و متناقض آن «بعضی الف ب است» است و متضاد آن «هر الف ب است» می‌باشد.

گزینه ۳: عکس قضیه مطرح شده در گزینه، «هیچ ب الف نیست» می‌باشد و متضاد آن «هر ب الف است» می‌باشد. بنابراین حاصل این گزینه با سایر گزینه‌ها متفاوت است و جواب تست خواهد بود.

گزینه ۴: متناقض قضیه مطرح شده، «هیچ الف ب نیست» می‌باشد که متضاد آن «هر الف ب است» خواهد بود.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

(کتاب آبی)

گزینه ۳

دو قضیه با هم رابطه تداخل دارند و در تداخل از صدق قضیه کلی، صدق جزئی آن نتیجه گرفته می‌شود.

دلایل تدریشی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: دو قضیه با هم رابطه تضاد دارند و در تضاد از صدق یک طرف، کذب طرف دیگر نتیجه گرفته می‌شود (نه بر عکس).

گزینه ۲: در رابطه تداخل از صدق قضیه کلی، صدق جزئی آن نتیجه گرفته می‌شود (نه کذب آن).

گزینه ۴: سالبه جزئیه عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد و نمی‌شود چنین نتیجه گرفت.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)

(علیرضا نصیری)

گزینه ۳

اگر قضیه «هر الف ب است» صادق باشد، آنگاه با قطعیت می‌توان گفت که متناقض و متضاد آن کاذب خواهد بود. متناقض آن قضیه، «بعضی الف ب نیست» می‌باشد که سالبه جزئیه است و متضاد آن «هیچ الف ب نیست»

است که سالبه کلیه است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ و ۶۴)

(کتاب آبی)

گزینه ۴

اگر قضیه «هر الف غیر است» را قضیه اصل بگیریم که صادق هم باشد، این قضیه با قضیه «بعضی غیر ب الف است»: رابطه عکس مستوی دارد که

صادق است، قضیه «بعضی غیر ب الف است» (صادق) با قضیه «هیچ غیر ب الف نیست» رابطه تناقض دارد پس این قضیه کاذب است و قضیه اصلی با

قضیه «بعضی الف غیر است» رابطه تداخل دارد پس این قضیه صادق است.

(منطق، اکلام قضایا، صفحه‌های ۶۳ تا ۶۸)



(کورش (ابودی))

$$a_1 + a_2 = \frac{1}{r} (a_3 + a_4)$$

$$\Rightarrow a_1 + a_1 r = \frac{1}{r} (a_1 r^2 + a_1 r^3)$$

$$\Rightarrow a_1 + a_1 r = \frac{1}{r} (a_1 + a_1 r)$$

$$\frac{a_1 + a_1 r \neq 0}{\Rightarrow 1 = \frac{1}{r^2} \Rightarrow r^2 = \frac{1}{1} = 2 \Rightarrow r = \pm \sqrt{2}}$$

جملات دنباله مثبت هستند، بنابراین $r = \sqrt{2}$ قابل قبول است.

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

(ابوالفضل بخاری)

«۱»-۲۴۵

با توجه به سؤال داریم:

$$a_1 = -3, a_2 = \frac{3}{5} \text{ و } a_3 = -\frac{3}{5} \text{ داریم:}$$

$$r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{\frac{3}{5}}{-3} = -\frac{1}{5}$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_5 = -3 \left(-\frac{1}{5} \right)^4 = -3 \times \frac{1}{625} = -\frac{3}{625}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

(محمد بهرامی)

«۳»-۲۴۶

با توجه به اعداد داده شده داریم:

$$a_1 = \frac{1}{2}, r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{1}{\frac{1}{2}} = 2$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow 1024 = \frac{1}{2} (2)^{n-1}$$

$$\Rightarrow 2048 = 2^{n-1} \Rightarrow 2^{11} = 2^{n-1} \Rightarrow n = 12$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

(محمد بهرامی)

«۱»-۲۴۷

$$a_1 = 2, a_4 = \frac{2}{27} \Rightarrow r^{4-1} = \frac{a_4}{a_1}$$

$$\Rightarrow r^3 = \frac{2}{27} = \frac{1}{27} \Rightarrow r^3 = \left(\frac{1}{3}\right)^3 \Rightarrow r = \frac{1}{3}$$

$$S_{10} = \frac{2(1 - (\frac{1}{3})^{10})}{1 - \frac{1}{3}} = \frac{2(1 - (\frac{1}{3})^{10})}{\frac{2}{3}} = 3(1 - (\frac{1}{3})^{10})$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

(علیرضا عبدی)

«۳»-۲۴۹

$$S_6 = 5S_3 \Rightarrow \frac{a_1 (1 - r^6)}{1 - r} = 5 \times \frac{a_1 (1 - r^3)}{1 - r}$$

$$\frac{r \neq 1}{\Rightarrow a_1 (1 - r^6) = 5a_1 (1 - r^3)}$$

$$\Rightarrow (1 - r^6)(1 + r^3) = 5(1 - r^3) \Rightarrow 1 + r^3 = 5$$

$$\Rightarrow r^3 = 4 \Rightarrow r = \sqrt[3]{4}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

ریاضی و آمار (۳)

«۳»-۲۴۱

(همیرضا سپوی)

اگر a, b, c سه جمله متوالی یک دنباله هندسی باشند، آنگاه شرط برقرار است، پس داریم:

$$a - 1, a, -4 \Rightarrow (a - 1)^2 = -4(a - 1) \Rightarrow 64 = -4a + 4$$

$$\Rightarrow -4a = 60 \Rightarrow a = -15$$

$$a - 1, a, -4, \dots \Rightarrow a_1 = -16, r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{a}{-16} = -\frac{1}{2}$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_8 = -16 \times \left(-\frac{1}{2}\right)^7$$

$$= -16 \times \left(-\frac{1}{128}\right) = \frac{16}{128} = \frac{1}{8}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

«۱»-۲۴۲

(همیرضا سپوی)

روش اول: رابطه بازگشتی داده شده، نمایش یک دنباله هندسی است که نسبت مشترک آن برابر است با:

$$a_n = -2a_{n-1} \Rightarrow \frac{a_n}{a_{n-1}} = -2 \Rightarrow r = -2$$

$$a_n = a_1 r^{n-1} \Rightarrow a_1 = (-2)^n$$

$$\Rightarrow -8 = a_1 \times 4 \Rightarrow a_1 = \frac{-8}{4} = -2$$

روش دوم:

$$a_n = -2a_{n-1} \Rightarrow \begin{cases} n = 3 \Rightarrow a_3 = -2a_2 \Rightarrow -8 = -2a_2 \Rightarrow a_2 = 4 \\ n = 2 \Rightarrow a_2 = -2a_1 \Rightarrow 4 = -2a_1 \Rightarrow a_1 = -2 \end{cases}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

«۴»-۲۴۳

با توجه به شکل رو به رو داریم:

$$\begin{matrix} 3, & 0, & 0, & 0, & 0, & 0, & 0, & 384 \\ \downarrow & & & & & & & \downarrow \\ a_1 & & & & & & & a_8 \end{matrix}$$

$$a_8 = 384 \Rightarrow a_1 r^7 = 384 \Rightarrow 3 \times r^7 = 384 \Rightarrow r^7 = 128$$

$$\Rightarrow r^7 = r^7 \Rightarrow r = 2 \quad \begin{matrix} \times 2 & \times 2 \\ 3 & \circlearrowleft 6 & \circlearrowleft 12 & \circlearrowleft 24 & \circlearrowleft 48 & \circlearrowleft 96 & \circlearrowleft 192 & \circlearrowleft 384 \end{matrix}$$

$$= 6 + 12 + 24 + 48 + 96 = 126$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)

«۴»-۲۴۴

(همیرضا سپوی)

با توجه به اطلاعات سؤال داریم:

$$r = \frac{a_2}{a_1} = \frac{a_3}{a_2} = \dots = \frac{a_n}{a_{n-1}} = \frac{1}{2} \quad \text{و} \quad S_4 = 15$$

$$S_n = \frac{a_1 (r^n - 1)}{r - 1} \Rightarrow 15 = \frac{a_1 ((\frac{1}{2})^4 - 1)}{\frac{1}{2} - 1} \Rightarrow 15 = \frac{a_1 (\frac{1}{16} - 1)}{-\frac{1}{2}}$$

$$\Rightarrow -\frac{15}{2} = -\frac{15}{16} a_1 \Rightarrow a_1 = \frac{16 \times 15}{2 \times 15} = 8$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۴)



توجه داشته باشد که وزن مصراع اول، با استفاده از اختیارات شاعری، به «فاعلاتن فاعلتن فاعلن» تغییر یافته است که با بررسی مصراع دوم این بیت، مشخص می‌شود که وزن اصلی بیت، «مفاعیلن مفاعیلن فعالون» است.

وزن سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: فاعلاتن فاعلتن فاعلن (رمل مسدس محدود)

گزینه «۲»: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مسدس سالم)

گزینه «۳»: فاعلاتن فاعلتن فاعلاتن فاعلن (رمل مثمن محدود)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

(کتاب آبی)

گزینه «۲»

تمام مصراع‌های گزینه «۲» از تکرار «مفاعیلن» ساخته شده است.

ولی افسوس و صداسوس (مفاعیلن مفاعیلن)

ز ابر تیره برقی جست (مفاعیلن مفاعیلن)

که اقصد را میان ره بسوزایید (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)

تشریف گزینه‌های درجک:

گزینه «۱»: وزن این شعر به این صورت است:

حرف‌های ما هنوز ناتمام (فاعلات فاعلات فاعلن)

تا نگاه می‌کنی (فاعلات فاعلن)

وقت رفتن است (فاعلات فع)

گزینه «۳»: وزن این شعر به این صورت است:

تو نیستی که بینی (مفاعلن فعالتن)

چگونه جای تو در زندگی سبز است (مفاعلن فعالتن مفاعیلن)

هنوز پنجره باز است (مفاعلن فعالتن)

گزینه «۴»: وزن شعر چهارم به این صورت است:

من خزان جاودانه پشت میز (فاعلات فاعلات فاعلن)

یک جهان ترانه‌ام شکسته در گلو (فاعلات فاعلات فاعلات فع)

شعر بی جوانه‌ام نشسته رو به رو (فاعلات فاعلات فاعلات فع)

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۰۸)

(کاظم کاظمی)

گزینه «۳»

مفهوم مشترک عبارت شعری صورت سؤال و بیت گزینه «۳»: شکایت شاعر از غفلت و خواب‌زدگی مردم و بیهوده دانستن تلاش خود برای آگاهی‌بخشی به افراد جامعه

مفاهیم سایر ایات:

گزینه «۱»: بی خبری انسان‌های ناآگاه در عالم و رنج کشیدن اهل بصیرت در زندان دنیا

گزینه «۲»: توصیه به عبرت‌پذیری با سپری شدن عمر

(علوم و فنون ادبی (۳)، معنوی، صفحه ۱۰۷)

(کتاب آبی)

گزینه «۳»

در ایات گزینه‌های «۱، ۲ و ۴» به معشوق زمینی اشاره شده است؛ اما در

بیت گزینه «۳» مقصود از دوست، خداوند، یعنی معشوق آسمانی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، معنوی، صفحه ۱۰۷)

(امیر زر اندرز)

$$\frac{a_6}{a_3} = \frac{27}{8} \Rightarrow \frac{a_1 r^5}{a_1 r^2} = \left(\frac{3}{2}\right)^3 \Rightarrow r^3 = \left(\frac{3}{2}\right)^3 \Rightarrow r = \frac{3}{2}$$

$$a_2 = a_1 r \Rightarrow 2 = a_1 \times \frac{3}{2} \Rightarrow a_1 = \frac{4}{3}$$

(ریاضی و آمار (۳)، الگوهای غیرخطی، صفحه‌های ۷۱ تا ۷۴)

علوم و فنون ادبی (۳)

(مبتدی فرهادی)

موارد مربوط به گزینه «۲» یعنی «ج و د» نادرست است:

ج) نثر داستانی در این دوره تنوع مضمون دارد؛ مانند داستان‌های اقلیمی، شهری، کودکانه، زنانه و

د) ابهام در شعر معاصر پسندیده است و معنی‌گریزی از ویژگی‌های شعر این دوره است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۹۷ و ۹۸)

(یاسین مهریان)

گزینه «۳»
تشریف گزینه‌های نادرست:

گزینه «۱»: تفکر انسان‌گرایانه (اومنیسم) که در آثار قبل از انقلاب وجود داشت، گاهی در برخی از آثار بعد از انقلاب به گونه‌ای کمزنگ مشاهده می‌شود.

گزینه «۲»: در دهه «هشتاد» شاهد داستان‌نویسی (مینی‌مال) هستیم.

گزینه «۴»: این ویژگی، مربوط به قلمروی ادبی است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲)

(کتاب آبی)

گزینه «۲»

گزینه «۲»: «فاعلاتن فاعلتن فاعلتن فاعلن = رمل مثمن محدود»

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۸ و ۱۰۹)

(مبتدی فرهادی)

گزینه «۳»

این گزینه در وزن «فاعلاتن فاعلتن فاعلتن فاعلتن» سروده شده و بحر آن «رمل» است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ و ۱۰۸)

(سید علیرضا علوبیان)

گزینه «۲»

وزن مصراع واره اول این گزینه «فاعلتن فعلن» است نه «فاعلاتن فعلاتن».

وزن سایر گزینه‌ها درست ذکر شده است.

تذکر: در وزن یابی اشعار نیمایی، همواره اختیار شاعری (ابدال، بلند بودن هجای آخر و ...) را اعمال کنید.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۶ تا ۱۰۷)

(کتاب آبی)

گزینه «۲»

تمام مصراع‌های این شعر بر وزن «فاعلاتن فاعلتن فاعلن» و با نشانه‌های هجایی «U-U-U-U» سروده شده است.

(علوم و فنون ادبی (۳)، موسیقی شعر، صفحه‌های ۱۰۷ تا ۱۰۸)

(یاسین مهریان)

گزینه «۴»

این بیت در وزن «مفاعیلن مفاعیلن فعلون» سروده شده است و نام بحر عروضی آن، «هزج مسدس محدود» است.

جامعه‌شناسی (۳)

۲۶۱- گزینه «۴»

از نظر مخالفان قسربندی، مالکیت خصوصی موجب برقراری روابط ظالمانه میان افراد و در نتیجه، نابرابری اجتماعی شده است.

(پایه‌شناسی (۳)، تابه‌بری اجتماعی، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

۲۶۲- گزینه «۴»

رویکرد اول، لیبرالیستی است و معتقد است که بازار آزاد تعیین‌کننده است و هیچ کنترلی نباید در بازار وجود داشته باشد. رویکرد دوم، رویکرد کمونیستی است و معتقد به کنترل مطلق بازار و عدم وجود مالکیت خصوصی است.

حوزه رقابت مربوط به رویکرد لیبرالی است.

(پایه‌شناسی (۳)، تابه‌بری اجتماعی، صفحه‌های ۷۳ تا ۷۸)

۲۶۳- گزینه «۱»

اشکالات رویکرد دوم: با حذف مالکیت خصوصی، انگیزه رقابت از بین می‌رود؛ زیرا این امر سبب می‌شود تلاش و شایستگی افراد کوشش و توانمند نادیده گرفته شود. در این رویکرد، نقطه شروع رقابت‌ها یکسان می‌شود اما به دلیل اینکه انگیزه رقابت از بین می‌رود، راه پیشرفت مادی مسدود می‌گردد.

(پایه‌شناسی (۳)، تابه‌بری اجتماعی، صفحه ۷۶)

۲۶۴- گزینه «۳»

مهمنترین هدف جامعه‌شناسی انتقادی، نقد وضعیت موجود و تجویز راه حل‌هایی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است. وجه اشتراک جامعه‌شناسی انتقادی و جامعه‌شناسی تفسیری، تأکید بر توانایی و خلاقیت افراد در ساختن جهان اجتماعی است.

غلبه رویکرد تبیینی در جامعه‌شناسی، سبب شد گزاره‌های انتقادی و تجویزی یا داوری درباره ارزش‌ها خارج از علوم اجتماعی و غیرعلمی قلمداد شوند.

(پایه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۳ تا ۸۷)

۲۶۵- گزینه «۱»

نسل کشی در کامبوج توسط حمره‌های سرخ ← همانندسازی جنبش سیک زندگی ← سیاست هویت الگوی مطلوب قرآن ← الگوی تعارف

(پایه‌شناسی (۳)، سیاست هویت، صفحه‌های ۸۹ تا ۹۱)

عربی زبان قرآن (۳)

۲۶۶- گزینه «۴»

«بُزَّلَ تَزْيِيلًا»: قطعاً فرود آورده شدند (فعل مجھول است ← رد گزینه‌های ۱ و ۳؛ مفعول مطلق تأکیدی آمده است که قید تأکید باید در ترجیم، قبل از فعل بیاید، نه در اول جمله، چون مفعول مطلق تأکیدی فعل را تأکید می‌کند، نه کل جمله را ← رد گزینه‌های ۲ و ۳ / «الملائكة»: فرشتگان (رد گزینه ۲) (ترجمه)

۲۶۷- گزینه «۲»

«یتم»: حاصل می‌شود، صورت می‌پذیرد، به وجود می‌آید / «التسوازن»: تعادل، توازن / «وجود علاقات مُتناخَلة»: وجود روابطی به هم پیوسته (رد سایر گزینه‌ها) / «الکائنات الحية»: موجودات زنده / «فی هذه البيئة»: در این محیط زیست (رد گزینه ۱) / «نَمَّا»: (مفعول مطلق تأکیدی) قطعاً، واقعاً (رد سایر گزینه‌ها) (ترجمه)

(درöیشلی ابراهیمی)

«بدأت أفتر». شروع به اندیشیدن کردم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «كيف يستطيع»: چگونه می‌تواند (رد گزینه‌های ۲ و ۳) / «أن يُراقب»: مراقبت کند / «طوال الليل و النهار»: در طول شب و روز / «فهمت»: فهمیدم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «البومات»: جغدها / «تساعده»: به او کمک می‌کنند (رد گزینه‌های ۱ و ۳) (ترجمه)

(محمدعلی کاظمی نصرآبادی)

«المزرعة: مزرعة» و «تعرّض للأكل: در معرض خوردن قرار می‌گیرد» صحیح است.

(ترجمه)

(درöیشلی ابراهیمی)

«عمو تُم»: العَمَّ تُم / «سال‌ها»: سنواتٌ، أعواماً (رد گزینه‌های ۱ و ۴) / «كار می‌کرد»: كان ... يستغلُ (رد سایر گزینه‌ها) / «در مزارع پنهان»: في مزارع القطن (رد گزینه ۴) / «در بسیاری»: في كثير (رد سایر گزینه‌ها) / «ياتات»: الولايات / «به او ظلم می‌شد»: كانَ يُظلمُ (رد گزینه‌های ۱ و ۴) (ترجمه)

(محمدعلی کاظمی نصرآبادی)

صورت سؤال گفته «هیچ فقری مانند نادانی و هیچ میراثی مثل ادب نیست» که با این گزینه (نادان‌ها در زندگی‌شان ادب ندارند) تناسب مفهومی ندارد. (مفهوم)

(علی محسن‌زاده)

۲۷۲- گزینه «۳»
تشريح سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: فعل «ظننت» ثلثی مجرد است و «ثلاثی مزید» نادرست است، همچنین این فعل «مبني» است و «معرب» نمی‌باشد.
گزینه ۲»: واژه «طعم» مفرد است و جمع نیست.
گزینه ۴»: واژه «مَجْفَوَةً» نقش «حال» را ندارد.

(تبلیغ صرفی و اعراب)

(سیده مهیا مؤمنی)

۲۷۳- گزینه «۱»
«ترتیب» و «البضائع» شکل صحیح کلمات در گزینه ۱» هستند.

(فیض هرکات)

(کتاب آبی)

۲۷۴- گزینه «۳»
صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن «مفعول مطلق» نیامده باشد. در گزینه ۳»: مفعول مطلق نیامده است؛ «بعیداً» اصلاً مصدر هم جنس فعل قبل از خود نیست تا مفعول مطلق باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱»: «إِكْرَاماً» که مصدر منصوب فعل «أَكْرَمْت» است؛ مفعول مطلق نوعی (بیانی) است، چون پس از آن «صفت (بالغاً) آمده است.

گزینه ۲»: «تَأْدِيباً» که مصدر منصوب فعل «أَدْبَ» است؛ مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (جميلً) آمده است.

گزینه ۴»: «رَغْبَةً» که مصدر منصوب فعل «رَغْبَ» است؛ مفعول مطلق نوعی (بیانی) است؛ چون پس از آن «صفت (كثيرةً) آمده است.

(مفعول مطلق) (ترجمه)



(علیرضا نصیری)

«۲۷۸- گزینه» ۳

«از نظر ابن سینا، تأمل در رابطه طبیعت با مأواه طبیعت و خدا در کنار تحقیق در روابط میان پدیده‌ها، دانشمند و محقق را از ظاهر پدیده‌ها عبور می‌دهد و به باطن آن‌ها می‌رساند؛ آن‌ها را به خضوع و خشیت در برابر حق می‌رسانند...» بنابراین اگر فردی علاوه بر بررسی روابط میان پدیده‌های طبیعی (علوم طبیعی) ارتباط آن‌ها با مأواه طبیعت و خدا را نیز در نظر بگیرد و مطالعه کند، به عمق مطالب دست خواهد یافت و به بطن آن‌ها خواهد رسید.

تکنی: برای رسیدن به بطن پدیده‌ها باید هم به روابط خود پدیده‌های طبیعی توجه کرد و هم ارتباط آن‌ها با مأواه طبیعت را بررسی کرد. بنابراین اینکه یکی از این دو عامل را رها کنیم، برخلاف نظر ابن سینا خواهد بود.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۰ و ۸۱)

(علیرضا نصیری)

«۲۷۹- گزینه» ۳

سهروردی برای ابن سینا احترام قائل بود و از او سپاس‌گزاری می‌کرد، اما در عین حال می‌کوشد با اضافه کردن کشف و شهود به فلسفه استدلالی ابن سینا آن را به کمال برساند. فیلسوف اشرافی می‌کوشد آنچه را با استدلال عقلی به دست آورده به ذاته دل برساند و آنچه را شهود کرد با استدلال به دیگران منتقل کند. بنابراین تفاوت ابن سینا و سهروردی در ارتباط میان شهود و عقل است.

پرسنی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ابن سینا نیز در کتاب اشارات و تنبیهات خود بخشی را به توضیح و تبیین عرفان و شهود اختصاص داده اما در مورد ارتباط میان شهود و فلسفه چیزی نگفته است.

گزینه «۲»: واضح است که عقل به تنها ی نیز می‌تواند به شناخت‌هایی برسد و سهروردی منکر این موضوع نیست. مثلاً عقل بدون دخالت هیچ‌گونه

شهودی می‌تواند بفهمد که اجتماع دو قضیه متناقض محال است.

گزینه «۴»: سهروردی در مکتب خود هم از حکمت مشاء متأثر بوده و هم از اندیشه حکیمان ایران پیش از باستان تأثیر پذیرفته است.

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه‌های ۸۳ و ۸۴)

(علیرضا نصیری)

«۲۸۰- گزینه» ۳

جویندگان معرفت از نظر سهروردی چهار دسته هستند:

(اول) کسانی که تازه شوق معرفت یافته‌اند و جویای آن هستند.

(دوم) کسانی که در فلسفه استدلالی به کمال رسیده‌اند اما از ذوق و عرفان بی‌بهاءند.

(سوم) کسانی که فقط به شهود می‌پردازند و از فلسفه استدلالی غافلند.

(چهارم) کسانی که هم در صور برهانی به کمال رسیده‌اند و هم در اشراق و عرفان با توجه به صورت سؤال کسانی که در فلسفه استدلالی استاد هستند، هم

می‌توانند مصدق دسته دوم باشند و هم چهارم (چون ذکر نشده که آیا نسبت به عرفان بی‌توجه هستند یا خیر) (رد گزینه‌های ۲ و ۴) اما از طرفی کسی که صرفاً به شهود می‌پردازد فقط می‌توانند مصدق دسته سوم باشند. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

(فلسفه دوازدهم، دوره میانی، صفحه ۸۵)

(پیروز وجان)

«۲۷۵- گزینه» ۱
«حضوراً» مفعول مطلق تأکیدی (در این جمله فقط یک تأکید برای فعل وجود دارد).

تشریف سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «تمعاً»: مفعول مطلق تأکیدی / «إِنْ» تأکید برای کل جمله (پس در این عبارت دو تأکید وجود داشته و فقط یک کلمه تأکید نشده است).

گزینه «۳»: «تقديماً»: مفعول مطلق نوعی (چون «يَقْبَلُ» صفت برای «تقديماً» می‌باشد، پس تأکید وجود ندارد).

گزینه «۴»: «مساعِدَةً»: خبر کانت («مساعِدَةً» اسم فاعل است نه مصدر. پس در این گزینه هم تأکید وجود ندارد.)

(مفعول مطلق)

فلسفه دوازدهم

(علیرضا نصیری)

«۲۷۶- گزینه» ۱

اگر شکوفایی علم در جامعه را به یک درخت شبیه کنیم، اولین و اساسی ترین شرط وجود آن، یک زمین حاصل خیز است که در این مثال همان «حيات عقلی» می‌باشد. بنابراین حیات عقلی اولین و اصلی ترین شرطی است که برای رشد هر علمی، از جمله فلسفه وجود دارد. مورخان علم گزارش کرده‌اند که حیات عقلی مسلمانان با ظهور اسلام آغاز گشت و این حیات عقلی به دست پیامبر اکرم و قرآن کریم و با بهره‌گیری از روش‌هایی بدیع در راستای دعوت به تفکر و تعقل، پایه‌ریزی شد. بنابراین حیات عقلی جامعه مسلمانان حاصل دعوت پیامبر و قرآن به تعقل است.

ساخر دلایل رشد فلسفه، همگی از آثار همین حیات عقلی هستند. مثلاً اینکه مباحث اعتقادی گسترش بیابد یا مسلمانان مشتاق فraigیری علوم سایر تمدن‌ها باشند، همگی از پیامدهای حیات عقلی هستند. بنابراین می‌توان گفت که ریشه‌ای ترین علت رشد فلسفه در جهان اسلام، دعوت قرآن و پیامبر به تعقل است.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در بیان اسلام، صفحه‌های ۷۳ و ۷۴)

(علیرضا نصیری)

«۲۷۷- گزینه» ۴

از نظر فارابی سعادت و کمال انسان به زندگی او در جامعه وابسته است و به همین جهت هدف اصلی جامعه باید سعادت انسان در دنیا و آخرت باشد. بر همین اساس بهترین مدینه‌ها از نظر او شهری است که مردم آن به اموری مشغول هستند و به فضایی آرسته‌اند که مجموعه مدینه را به سوی سعادت می‌برد و چنین جامعه‌ای از نظر فارابی «مدينة فاضلة» است. بنابراین تفاوت مدینه‌های فاضله با سایر شهراه‌ها و اجتماعات، هم‌است بودن آن با سعادت انسان است.

گزینه «۱»: فارابی یک فیلسوف مشائی است و اساساً پایه‌گذار حکمت مشاء در عالم اسلام است و به همین جهت او را بعد از ارسطو که معلم اول لقب دارد، معلم دوم نام نهاده‌اند. اما با این وجود نظریه وی در باب فلسفه سیاسی نزدیک به نظر افلاطون است نه ارسطو.

گزینه «۲»: فارابی هرگز مشاغل سیاسی را نپذیرفت و با اهل سیاست معاشرت نداشت. اما درباره سیاست سیار اندیشید و اثاثی در این زمینه نوشت.

گزینه «۳»: مدنی بالطبع بودن انسان اولین مبنای فارابی در ورود به مباحث اجتماعی و فلسفه سیاسی است. مدنی بالطبع بودن انسان به این معناست که انسان بر حسب فطرت و طبع خود به جامعه گرایش دارد و می‌خواهد با همنوعان خویش زندگی کند. البته این موضوع بدین معنا نیست که او مجبور است در اجتماع زندگی کند.

(فلسفه دوازدهم، آغاز فلسفه در بیان اسلام، صفحه‌های ۷۵ تا ۷۷)

نالشی درس‌پر موفقت پیش



- دانلود گام به گام تمام دروس 
- دانلود آزمون های قلم چی و گاج + پاسخنامه 
- دانلود جزوه های آموزشی و شب امتحانی 
- دانلود نمونه سوالات امتحانی 
- مشاوره کنکور 
- فیلم های انگیزشی 

 Www.ToranjBook.Net

 [ToranjBook_Net](https://t.me/ToranjBook_Net)

 [ToranjBook_Net](https://www.instagram.com/ToranjBook_Net)